

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دهقان، اکبر

اسوه تهذيب نفس: برخی از مواعظ اخلاقی و خاطرات حجت الاسلام  
ولمسلمين واله رضوان الله تعالى عليه/ اکبر دهقان. - قم: نشر حرم،  
۱۳۸۹.

۱۵۶ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۵-۲۲-۴ ريل؛ ۲۵۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. واله، تاریخ تولد، - وعظ. ۲. واله،

خاطرات. ۳. اخلاق اسلامی. ۴. احادیث اخلاقی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۲۹۷/۸۰

BP ۱۰/۵ / ۹ د / ۱۵ الف

## نشر انتشارات حرم اسوه تهذيب نفس

(برخی از مواعظ اخلاقی و خاطرات حجت الاسلام والمسلمين واله رضوان الله تعالى عليه)

مؤلف: اکبر دهقان

ناشر: موسسه انتشارات حرم

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

چاپ: علوی

حروف نگار: سيد مصطفی موسوی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۵-۲۲-۴

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

آدرس: خیابان امام، خیابان توانیر، کوچه ۵، پلاک ۱۰

تلفن: ۶۶۵۶۲۶۰

مرکز پخش: قم، بلوار امین، کوچه ۲۷، پلاک ۱۳

تلفن: ۲۹۳۴۶۷۸

- ۷.....مقدمه
- ۷.....ویژگی های اخلاقی حجه الاسلام والمسلمین واله عليه السلام
- ۱۱.....خطبه منبر
- ۱۲.....۱. هدف از بعثت، تکامل اخلاق
- ۱۳.....محبت به دنیا ریشه فساد اخلاق
- ۱۵.....اهمیت تلاوت قرآن
- ۱۷.....۲. ارکان سعادت
- ۱۷.....نشانه اهل بهشت
- ۱۹.....لزوم خوشرفتاری با خانواده
- ۲۰.....۳. صداقت در گفتار
- ۲۱.....عید واقعی
- ۲۳.....زندگی ساده فاطمه زهرا عليها السلام
- ۲۴.....۴. همت عالی در زندگی
- ۲۸.....۵. تلاش افراطی در زندگی
- ۲۹.....توجه به مادیات عامل دوری از معنویات
- ۳۰.....۶. رفوزگی در امتحان الهی
- ۳۱.....علت خلیل شدن حضرت ابراهیم عليه السلام
- ۳۲.....تذکر به مسئولین
- ۳۳.....نفهمیدن اسرار خلقت
- ۳۴.....۷. اثر عمل خیر و شر
- ۳۵.....اثر مال حرام
- ۳۶.....اثر اخلاص
- ۳۷.....۸. وظیفه ما در عصر غیبت

- ۳۷ ..... وجوب امر به معروف
- ۳۸ ..... عدم مجوز برای ریش تراشی
- ۳۹ ..... ضرورت تبلیغ
- ۳۹ ..... لزوم علم به احکام الهی به هنگام بیان
- ۴۰ ..... روضه سخت نخواندن
- ۴۱ ..... ۹. موعظه لقمان و لزوم ادب و مراقبت
- ۴۲ ..... مراقبت مادر مرحوم مجلسی رحمته الله
- ۴۳ ..... حرمت غیبت و دروغ
- ۴۵ ..... ۱۰. اهمیت نماز در مکتب اسلام
- ۴۶ ..... سیره بزرگان در اهتمام به نماز
- ۴۶ ..... الف. آیت الله سید احمد خوانساری و اهمیت نماز؛
- ۴۷ ..... ب. تقید امام امت به نماز اول وقت؛
- ۴۸ ..... ج. تفاوت بالاشهری ها با پایین شهری ها؛
- ۴۹ ..... فایده کمک خواستن از نماز
- ۵۰ ..... توجه به نماز در شب معراج
- ۵۱ ..... ۱۱. مقامات معصومین علیهم السلام
- ۵۱ ..... ۱. فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سایر انبیاء؛
- ۵۲ ..... ۲. توسل به امامان علیهم السلام؛
- ۵۲ ..... ۳. لطف امامان به شیعیان؛
- ۵۳ ..... ۴. عاقبت دشمنی با اهل البیت علیهم السلام؛
- ۵۴ ..... شکرگذاری بر نعمت ها
- ۵۶ ..... ۱۲. ولایت امام معصوم بر همه موجودات
- ۵۶ ..... ولایت تکوینی معصومین علیهم السلام
- ۶۰ ..... ۱۳. علم غیب معصومین علیهم السلام
- ۶۲ ..... ۱۴. سیره امام حسین علیه السلام
- ۶۲ ..... ۱. احترام به معلّم؛
- ۶۲ ..... ۲. امام حسین علیه السلام و ساده زیستی؛
- ۶۳ ..... ۳. ریشه عظمت قمر بنی هاشم علیهم السلام؛
- ۶۵ ..... ۱۵. عنایات معصومین علیهم السلام

۱. عنایت امام حسین علیه السلام ..... ۶۵
۲. عنایت امام هادی علیه السلام به غیرمسلمان؛ ..... ۶۶
۳. عنایت حضرت مهدی علیه السلام به علامه حلی رحمته الله علیه ..... ۶۶
۴. عنایت امام زمان به آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه ..... ۶۷
۵. توقیع حضرت مهدی علیه السلام به سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله علیه ..... ۶۷
۶. اطلاع دادن حضرت مهدی علیه السلام از عمر ابن قولویه رحمته الله علیه ..... ۶۷
- تشرف به محضر حضرت مهدی علیه السلام ..... ۶۸
۱۶. لزوم توسل به ائمه هدی علیهم السلام ..... ۷۱
- توسل به حضرت مهدی علیه السلام ..... ۷۱
- توسل به امام جواد علیه السلام ..... ۷۱
- توسل به امام رضا علیه السلام ..... ۷۲
- نامگذاری فرزند از جانب حضرت رضا علیه السلام ..... ۷۳
۱۷. رعایت ادب ..... ۷۴
- ادب نسبت به حضرت رضا علیه السلام ..... ۷۴
- کرامت حضرت رضا علیه السلام ..... ۷۵
- پاسخ حضرت رضا علیه السلام به حاجی اشرفی؛ ..... ۷۶
۱۸. احترام به مقدّسات ..... ۷۸
- اثر بی احترامی به سادات؛ ..... ۷۹
- شعور و فهم حیوانات ..... ۸۰
۱۹. دفاع از اصل انقلاب و امام امت رحمته الله علیه ..... ۸۲
۲۰. سعادت در پرتو ترک گناه ..... ۸۵
۲۱. حیات در عالم برزخ ..... ۸۹
۲۲. رزق حلال ..... ۹۳
۲۳. امید به خداوند در زندگی ..... ۹۸
۲۴. یاد قیامت ..... ۱۰۱
۲۵. دعا ..... ۱۰۶
۲۶. نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۰۹
۲۷. شفاعت ..... ۱۱۳
۲۸. عوامل محرومیت از شفاعت ..... ۱۱۶

- ۱۱۹ ..... ۲۹. امتحان پروردگار متعال
- ۱۲۳ ..... ۳۰. کمک به محرومان
- ۱۲۶ ..... ۳۱. امام کاظم علیه السلام
- ۱۳۰ ..... خاطرات
- الف: خاطراتی از خود مرحوم واله علیه السلام ..... ۱۳۰
۱. شجاعت بهلول به جهت حفظ قرآن؛ ..... ۱۳۰
۲. ذکر حضرت یونس عامل نجات؛ ..... ۱۳۰
۳. جوان پاک؛ ..... ۱۳۱
۵. عذاب قبر؛ ..... ۱۳۱
۶. قانع کردن همسر؛ ..... ۱۳۲
۷. شوم بودن مهریه سنگین؛ ..... ۱۳۲
۸. کراماتی از بزرگان؛ ..... ۱۳۲
۹. تأثیر آیه الکرسی؛ ..... ۱۳۳
۱۰. اثر توسل به خداوند؛ ..... ۱۳۴
۱۱. انتقال جنازه به وسیله فرشتگان؛ ..... ۱۳۴
- ب: خاطرات حاج آقای واله از میرزا جواد آقای تهرانی ..... ۱۳۵
- ج. خاطرات حاج آقای واله از شهید هاشمی نژاد علیه السلام ..... ۱۳۹
۱. فداکاری شهید هاشمی نژاد؛ ..... ۱۳۹
۲. ارادت به شهید هاشمی نژاد؛ ..... ۱۳۹
۳. نصیحت محرمانه شهید هاشمی نژاد؛ ..... ۱۳۹
- د: خاطراتی از دوستان؛ ..... ۱۴۰
- نتیجه اخلاص در منبر سید الشهداء علیه السلام؛ ..... ۱۴۵
- هدیه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان؛ ..... ۱۴۵
- اثر بندگی؛ ..... ۱۴۶
- وارستگی از خلق؛ ..... ۱۴۷
- شب وصال؛ ..... ۱۴۷
- ادب در برابر اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۴۷
- ه: خاطرات نویسنده از مرحوم حاج آقای واله ..... ۱۴۹

## مقدمه

ویژگی‌های اخلاقی حجه‌الاسلام والمسلمین واله علیه السلام

آن بزرگوار، مرد بسیار متواضع و مهربانی بود. زندگی بسیار ساده‌ای داشت و هیچ شأن و منزلتی برای خویش قائل نبود. بی تکلفی در زندگی ایشان محسوس بود، از این رو گاهی سوار موتور سیکلت می‌شدند، با توجه به اینکه افراد معروف نوعاً سوار این وسیله نمی‌شوند. مجلس ایشان مجلس موعظه بود، به طلبه‌هایی که به منزل ایشان می‌رفتند می‌فرمودند: اگر حدیث یا مطلب آموزنده‌ای می‌دانید بیان کنید تا استفاده کنیم و به بسیاری از طلاب، کتاب‌های خویش را اهداء می‌کرد.

به شدت از غیبت کردن پرهیز می‌کرد و اگر کسی می‌خواست غیبت کند، ناراحت می‌شد و کسی به خود اجازه نمی‌داد در محضر ایشان سخن لغو و بیهوده‌ای بر زبان جاری سازد. حقیقتاً آن عالم ربانی مصداق آیه شریفه (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)<sup>۱</sup> بود و به جهت فضائل اخلاقی به‌ویژه زهد و بی‌رغبتی به دنیا، از محبوبیت

خاصی در میان مردم برخوردار بود.

قرآن کریم درباره مومنان صالح می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا)<sup>۱</sup> و این بزرگوار یکی از مصادیق این آیه شریفه بود.

روحش شاد و غرق دریای بیکران رحمت الهی باد.

همچنین منبر ایشان دارای ویژگی های فوق العاده ای بود که به

۱۴ نمونه اشاره می کنیم؛

۱. خطبه منبر ایشان مرکب از قسمتی از ادعیه مختلف بود. ۲. طرح یکی دو مسئله شرعی<sup>۳</sup> بیان نمودن مسائل اخلاقی مورد نیاز ۴. معذرت خواهی از مستمعان در صورت تکراری بودن برخی از مطالب ۵. تجلیل از مداحی که به مجلس می آمد و می خواست روضه بخواند.

۶. باحالت تبسم سخن می گفت؛ وقتی که می خواست مردم را انداز کند، چهره اش سرخ می شد. ۷. هرگاه سیدی وارد مجلس می شد صلوات می فرستاد و این حدیث شریف نبوی را می خواند: «مَنْ رَأَى أَوْلَادِي وَ صَلَّى عَلَيَّ طَائِعاً رَاغِباً زَادَهُ اللَّهُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ» را می فرمود. ۸. غیر از جای در مجلس چیزی نمی خوردند، نه میوه، نه شام و....



۹. برای منبرهایی که می‌رفتند پول نمی‌گرفتند و اگر صاحب مجلس زیاد اصرار می‌کرد، برای گرفتن پول استخاره می‌کردند. ۱۰. بعد از پایان منبر به یکی دو نفر می‌گفتند اگر انتقادی به منبر من دارید بیان کنید، من استفاده می‌کنم. ۱۱. گاهی که یک مقدار به تعبیر خودشان بیشتر تند و تلخ سخن می‌گفتند، (گرچه به نظر بنده نه تند بود نه تلخ بلکه شیرین بود و حقیقت) از مستمعان عذرخواهی می‌کردند.

۱۲. سخنان ایشان بسیار دلنشین و جذاب بود. ۱۳. منبر ایشان متکی به قرآن و سنت بود و لذا بارها می‌فرمودند بنده عوضی حرف نمی‌زنم، اگر این مطالب درست است، در همین مجلس یک تجدید نظری در زندگی خود داشته باشیم. ۱۴. سخنان دلنشین آن بزرگوار و برخوردارهای حکیمانه ایشان در مجالس مختلف بسیار تأثیرگذار بود.

هم‌اکنون که سال‌هاست دار فانی را وداع گفته، محبت ایشان و خاطرات آن بزرگوار در ذهن افراد به یادگار باقی مانده است. نویسنده گوید به جهت علاقه وافری که به این عالم ربانی داشتم و از نصایح خردمندانه آن واعظ فرزانه بهره‌مند شده بودم، تصمیم گرفتم برخی از مواعظ و خاطرات را که از نوارها و CDهای ایشان استفاده کردم، در اختیار علاقه‌مندان بگذارم. این مجموعه در قالب ۳۱ سخن عرضه می‌شود. سعی نویسنده

بر آن بوده که مواعظ ایشان به صورت موضوعی دسته بندی شود و لکن از آنجا که مرحوم حاج آقای واله مقید نبودند که در منبر در یک موضوع خاص سخن بگویند، بلکه مسائل اخلاقی مورد نیاز را به طور پراکنده متذکر می‌شدند، مقداری همین سبک ایشان در نوشتار نیز تحقق یافت.

اکبر دهقان

۲۳ ذی‌قعدة ۱۴۳۱

## خطبة منبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي  
وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي واحلّل عقدة من لساني يفقهوا قولي تحصنت بالملك الحى  
الذى لا يموت واعتصمت بذى العزة والعدل والجبروت واستعنت بذى  
العظمة والقدرة والملكوت اللهم انى اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة واهل  
بيته الذين اخترتهم على علم على العالمين اللهم فذل لنا صعوبة امرنا  
وحضونته واكفنا شره فانك الكافى المعافى الغالب القاهر القادر الحمد لله رب  
العالمين اللهم ما بنا من نعمة فمنك كل نعمه فمن الله الخير كله بيد الله لا  
يصرف السوء الا الله والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين ابي  
القاسم المصطفى محمد وعلى اهل بيته الطاهرين لاسيما سيدنا ومولانا حجة  
بن الحسن العسكري عجل الله تعالى فرجه الشريف وجعلنا من اعوانه  
وانصاره وجعلنا من المستشهدين بين يديه ولعنة الله على اعدائهم اجمعين  
اللهم صل على فاطمة وابيها وبعلمها وبنيتها و امها بعدد ما احاط به علمك  
اللهم صل على على بن موسى الرضا المرتضى لا يقوى على احصائها غيرك  
السلام عليكم يا اهل بيت النبوة السلام على الحسين وعلى بن الحسين  
وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين اللهم اللعن اعدائهم اجمعين.

## ۱. هدف از بعثت، تکامل اخلاق

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ).<sup>۱</sup>

هدف از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تکامل اخلاق انسان است «اتما بُعِثتْ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»<sup>۲</sup>. به هر اندازه که معرفت ما نسبت به خدا بیشتر باشد، به هدف بعثت نزدیکتر می‌شویم. امام حسن عسکری علیه السلام کودک بودند و از کنار کودکانی که در کوچه مشغول بازی بودند، عبور کردند، شخصی به حضرت عرض کرد من بروم برای شما اسباب بازی تهیه کنم، حضرت فرمودند: «يَا قَلِيلَ الْعَقْلِ أَلَلَّعْبِ خُلِقْنَا»؛ ای کم عقل آیا ما برای بازی آفریده شدیم؟ گفت پس برای چه آفریده شده‌ایم؟ حضرت فرمودند: برای علم و عبادت «خُلِقْنَا لِلْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ» بعد حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: (أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ).<sup>۳</sup>

امام معصوم می فرماید: «ان الله تعالى وضع اربعاً بآفئ أربع بركة العلم

۱. توبه ۱۲۸

۲. بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۸۳

۳. مؤمنون ۱۱۵

فی تعظیمِ الأستاد وبقاء الايمان فی تعظیم الله ولذہ العیش فی برّالوالدين والنجاه من النار فی ترک ایذاء الخلق»<sup>۱</sup>

امام معصوم می فرماید: «اربعه جواهر تزيلها اربعة الدين، العقل، الحياء، العمل الصالح».

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «خمسٌ لستُ بتاركهنَّ حتّى الممات لباسی الصّوف وركوبی الحمار مؤکفًا و أکلی مع العبيد و خصفی النعل بيدي و تسليمی علی الصبيان ليکون سنة من بعدی»<sup>۲</sup>

زندگی من و شما چه اندازه با زندگی پیامبر اکرم ﷺ شباهت دارد؟ واقعاً وقتی سوار ماشین معمولی می شویم یا ماشین گران قیمت، آیا برای من و شما هیچ تفاوتی وجود ندارد؟

### محبت به دنیا ریشه فساد اخلاق

هدف از بعثت ۱۲۴ هزار پیامبر این بود که دنیا را بسازند و فضائل انسانی مانند: تقوا، طهارت، شجاعت، سخاوت ایثارگری و زهد را احیاء کنند و از سویی با صفات رذیله مانند حسد، تکبر، غرور و هوای نفس مبارزه کنند؛ (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

۱. مواظب العددیه ۲۰۸

۲. مواظب العددیه ۲۴۸

وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.<sup>۱</sup>

سؤال؛ چند درصد از اخلاق من و شما اسلامی است؟ ریشه فساد محبت به دنیا و اسیر دنیا شدن است. آنچه در عمق دل ما جا باز کرده چلوکباب و غذاهای متنوع دیگر است، اگر این گونه از غذاها در دل ما جا باز نکرده بود، چطور در منزلی که ده شب روزه است شب آخر جمعیت بیشتری می آیند؟

به اندازه‌ای که به غذای خوب اهمیت می‌دهیم برای نماز ارزش و اهمیت قائل نیستیم. یک نگاهی به قلب خود کنیم ببینیم چه اندازه خوشحالیم که منزل ما چند میلیون ارزش دارد؟ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يَصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ».<sup>۲</sup>

امام امت صلی الله علیه و آله روزی که ریاست جمهوری شخصی را تنفیذ می‌کردند، این حدیث امام سجاد علیه السلام را خواندند که «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»<sup>۳</sup>، اگر ما اسیر دنیا نیستیم در تهیه جهیزیه عروس ببینید چه اندازه اسراف می‌شود، سرویس چینی، سرویس ملامین و انواع وسایل تشریفاتی.

۱. آل عمران ۱۶۴

۲. مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۴۱

۳. کافی ج ۲ ص ۱۳۰

ابوذر به منزل سلمان رفت، در هنگام غذا خوردن گفت اگر نمک هم بود خوب بود. سلمان آفتابه یا کوزه خود را گرو گذاشت و نمک فراهم کرد. ابوذر گفت الحمدلله که قانع بودیم. سلمان به ابوذر گفت اگر قانع بودی که کوزه من به گرو نمی رفت؛ «لم یکن رکوتی مرهونه لو کانت قناعة»<sup>۱</sup>.

### اهمیت تلاوت قرآن

تلاوت قرآن کریم در ماه رمضان ثواب فوق العاده ای دارد. ثواب یک آیه معادل با یک ختم قرآن کریم است. فرصت ها را از دست ندهیم. روز قیامت که می شود به انسان می گویند: «اقرأ و ارق»: بخوان و بالا برو.<sup>۲</sup>

علامه امینی در ماه رمضان ۱۵ ختم قرآن می خواندند. مرحوم خندق آبادی در تهران در حالی که قرآن بر روی سر گرفته از دار دنیا رفت، چه سعادتی؟ توجه به آیات قرآن باید زندگی ما را عوض کند. به مغازه یکی از دوستان رفتم، دیدم این آیه را نوشته و به دیوار نصب کرده است؛ (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)<sup>۳</sup>. روز قیامت که می شود غصه می خوریم چرا از

۱. بحار الانوار ج ۲۲ ص ۳۲۰

۲. کافی ج ۲ ص ۱۰۱

۳. زلزال ۷-۸

عمر خود بهره‌برداری نکردیم.

عده‌ای از زوار به منزل ما آمدند و یک مریضی را آوردند که نمی‌توانست وضو بگیرد، همان لحظه متذکر شدم، گفتم خدا را شکر که می‌توانیم کارهایمان را خودمان انجام دهیم. یکی از همشهری‌های ما در کاشمر به جهت اینکه زنبور او را نیش زده بود به عیادتش رفتم، چند سال است که آن شخص از پا افتاده است و نمی‌تواند کارهایش را انجام دهد.



## ۲. ارکان سعادت

مرحوم واله می‌فرمودند: بنده در خواب دیدم که به من گفتند  
سوره والعصر را برای مردم بخوان (وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \*  
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ)، ارکان  
سعادت در همین سوره جمع شده است. اگر کسی می‌خواهد دنیا و  
آخرتش آباد شود، راه آن را این سوره در چهار جمله بیان کرده  
است؛ ۱. ایمان ۲. عمل شایسته ۳. توصیه به حق ۴. توصیه به صبر.  
آنچه همیشه وظیفه من و شماست، حمایت از حق و زنده  
نگهداشتن حق و حق‌گویی و پایمال نکردن آن است. در روایت  
است: «لكلّ شيء حيلة و حيلة العيش أربع خصال؛ القناعة و بذل الحقّ و  
مجالسه أهل الخير و...»<sup>۱</sup>

### نشانه اهل بهشت

بهترین بهشت، جنت الفردوس است، زیرا قرآن کریم می‌فرماید  
کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند به آن بهشت راه پیدا

می‌کنند و درخواست نمی‌کنند به جای دیگر بروند؛ (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا \* خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا).<sup>۱</sup> در روایات نشانه اهل بهشت بیان شده است، از جمله اینکه امام می‌فرماید: «ان لاهل الجنة اربع علامات يد معطيه لسان لطيف و قلب رحيم و وجه منسبط»، اگر اخلاق و رفتار ما بسیار تند است، توقع رفتن به بهشت دیوانگی است. فشار قبر سعد بن معاذ به جهت سوء خلق او بود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ألا أخبركم بمجنون حق المجنون؟ فقالوا يا رسول الله نعم، فقال من عصى الله المتبختر في مشيه يتمنى على الله جنته و هو يعصيه».<sup>۲</sup>

در جهان لطف خداوند بود یار کسی  
 کز ره لطف گشاید گره از کار کسی  
 طاعتی نیست پسندیده‌تر از خدمت خلق  
 دل به دست آر، مزین دست به آزار کسی  
 نکشد هیچ زمان بار غم و محنت و درد  
 آنکه در محنت و سختی بکشد بار کسی

۱. کشف ۱۰۷-۱۰۸

۲. وسایل الشیعه ج ۵ ص ۴۳

### لزوم خوشرفتاری با خانواده

«من أسیغ وضوئه و أحسن صلاته وادی زکاة ماله و کفّ غضبه و سجن لسانه و استغفر لذنبه و اذی النصیحه لأهل بیت نبیه فقد استکمل حقایق الإیمان»<sup>۱</sup> اگر کسی بخواهد ایمانش کامل شود، باید به این حدیث شریف عمل کند. نمازهایی که ما می‌خوانیم باید بعد از آن صد مرتبه استغفار کنیم، زیرا آداب نماز را رعایت نمی‌کنیم از جمله حضور قلب. چه اندازه در زندگی جلوی خشم و غضب خود را می‌توانیم بگیریم و چه اندازه زبانمان را کنترل کنیم. بهشت را خداوند برای افراد پرهیزکار آماده کرده «أَلَجَنَّهُ أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» بهشت برای کسی است که در هر ساعت با زن و بچه خود دعوا نکند، چرا آش را دیر پختی؟ چرا پرده منزل این طوری است؟ چرا غذا درست نکردی چرا استکان‌ها را نشستستی؟ چرا منزل را جاروب نکردی؟ چرا فامیل شوهرت را پذیرایی نکردی؟ چرا و چرا. به‌خدا قسم این بداخلاقی‌ها و بلند صحبت کردن‌ها انسان را جهنمی می‌کند، این نوع بداخلاقی‌ها دنیای ما را نیز جهنم کرده است. ما مردها باید بدانیم یک ذره حق نسبت به همسر خود نداریم که این جور اعتراضات را داشته باشیم؛ «مَنْ احزَنَ مُؤْمِنًا ثَمَّ أَعْطَاهُ الدَّيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَتَهُ و لم یؤجر علیه»<sup>۲</sup>.

۱. من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۸

۲. مستدرک ج ۹ ص ۹۹

### ۳. صداقت در گفتار

انسان در زندگی باید صداقت در گفتار و رفتار داشته باشد. آیت‌الله علمی می‌فرمودند: «به شخصی گفتم من مخلص شما هستم، فوراً رفتم به او گفتم ببخشید، من حرف خود را پس گرفتم، من مخلص خدا هم نیستم چه برسد به اینکه مخلص شما شوم». زنی را سراغ دارم به شوهرش گفت آیا دل تو برای من تنگ می‌شود؟ آن شوهر صداقت به خرج داده بود و گفته بود خیر، زیرا دلم برای خداوند تنگ نمی‌شود، تا چه برسد به شما. باور کنید بسیاری از تعارفات دروغ است، مثلاً می‌گوئیم مخلصم، چاکرم، نوکرم، من به قربان شما بشوم، واویلا واویلا از این طرز سخن گفتن‌ها.

ای گرو کرده زبان را به دروغ

برده بهتان از کلام تو، فروغ

از ره صدق و صفا دوری چند

دل قبری رُخ کافوری چند؟

روی در قاعده احسان کن

ظاهر و باطن خود یکسان کن

یک دل، یک جهت و یکسو باش

از دورویان جهان، یک سوباش

ما اگر مومن باشیم باید سراسر زندگی مان در نور باشد،

چنانکه امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «المومن یتقلب فی خمسه من النور مدخله نور و مخرجه نور و علمه نور و کلامه نور و منظره یوم القیامه الی النور»<sup>۱</sup>.

در این حدیث امام می فرماید: سخن مومن نور است، حالا واقعاً سخنان ما در جامعه آیا نور است یا نار است؟

یک روحانی از قول یکی از خادمان حضرت رضا علیه السلام نقل می کرد که زائری از آذربایجان شوروی به زیارت آمده بود در حرم چرت می زد، او را به آسایشگاه بردیم تا بخوابد و استراحت کند، بعد از استراحت شروع کرد گلایه کردن از اوضاع بازار مشهد؛ گفته بود ما انتظار دیگری از بازاریان مشهد داشتیم، متأسفانه برخی از بازاری ها دروغ می گویند و در خرید اجناس سر ما را کلاه می گذارند.

رئیس قبیله بنی کلاب که ریاست هزار نفر را بر عهده داشت آمد نزد پیامبر گفت من به شرطی مسلمان می شوم و هزار نفر از اقوام و قبیله خود را مسلمان می کنم که به من وعده بدهید بعد از شما من رئیس باشم. حضرت نپذیرفتند و وعده دروغ به او ندادند.

## عید واقعی

عید واقعی از نظر اسلام آن روزی است که انسان گناه نکند. حضرت علی رضی اللہ عنہ فرمودند: «کلّ يومٍ لا يعصى الله فيه فهو يومٌ عید»<sup>۱</sup> در مکتب اسلام عیدی که بسیار ارزش دارد عید سعید غدیر خم و عید فطر و عید قربان و روز جمعه است. اما عید نوروز آنقدر ارزش ندارد که مردم این همه وقت و نیرو برای آن صرف می کنند.

امام امت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: «نوروز عید ملی است، در همین عید نوروز که این اندازه به فکر کفش و کلاه و لباس زن و بچه خود هستیم، آیا به فکر فرزندان محروم و یتیم جامعه هستیم یا خیر؟ در این ایام این همه تشریفات و تجملات، چند رقم میوه و شیرینی به چه جهت باید فراهم شود؟ هفت سین چیه؟ ما چقدر گرفتار خرافات هستیم؟ خود نوروز چیست که هفت سین آن باشد؟»

به منزل سیدی رفتیم که با پنج شش بچه در یک منزل ۲۲ متری زندگی می کردند. حالا شما خانه هایی را می بینید گل، بلبل، گلخانه، چمن، سبزه و سایر تشریفات، اگر واقعاً برخی از افراد گرفتار تجملات خمس اموال خود را به سادات فقیر می دادند که دیگر آن شخص نباید با چند بچه در منزل ۲۲ متری زندگی می کرد.

### زندگی ساده فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام بسیار زندگی ساده‌ای داشتند. تعداد جهیزیه آن حضرت که ۱۷ یا ۱۸ قلم است در کتاب‌ها ذکر شده، حالا ببینید زندگی ما مسلمانان چه اندازه فاصله دارد با زندگی آن حضرت؛ چه اندازه گرفتار تشریفات و تجملات هستیم؟ سرویس چینی جدا، ملامین جدا، سرویس‌های دیگر جدا. در حدیث هست که به هر اندازه‌ای که از زینت و زیور و نعمت‌های دنیا استفاده کنیم در قیامت به همان اندازه از نعمت‌ها محروم می‌شود. والله حضرت زهراى مرضیه مانند برخی از خانم‌های زمان ما از منزل بیرون نمی‌آمدند با چادر کربناز و کفش‌های تق تقی.

امام امت در تحریر الوسیله می‌نویسند: «يُسْتَحَبُّ حِسُّ الْعَرَاةِ فِي الْبَيْتِ فَلَا تَخْرُجُ إِلَّا لِلضَّرُورَةِ» البته مسائل مملکتی مانند رأی دادن خانم‌ها یا راهپیمایی در زمان‌های خاص استثنائی است. اما این جور نباید باشد که مسئول خرید غذا میوه و لباس و... خانم‌ها باشند، متأسفانه در نوع مجالس چه عروسی چه عزا، خانم‌ها پیشقدم هستند.

## ۴. همت عالی در زندگی

۱. شخصی آمد خدمت پیامبر اکرم ﷺ عرضه داشت من در دنیا هر وقت دلم تنگ می شود به زیارت شما می آمدم، اما هم اکنون این مطلب به فکرم خطور پیدا کرده که در قیامت اگر درجه من با شما تفاوت داشته باشد، من هرگاه بخواهم خدمت شما برسم شاید نتوانم و به من اجازه ندهند. در این لحظه این آیه نازل شد؛ (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) <sup>۱</sup> چقدر این شخص دارای علو همت بوده که این مطلب را بیان کرده است.

۲. جعفر بن محمد عن آبائه علیهم السلام قال كان رسول الله... عن ربيعة بن كعب قال؛ قال لي ذات يوم رسول الله يا ربيعة خدمتني سبع سنين أفلا تسألني حاجة فقلت يا رسول الله أمهلني حتى أفكر فلما أصبحت ودخلت عليه قال لي يا ربيعة هات حاجتك فقلت تسأل الله أن يدخلني معك الجنة فقال لي من علمك هذا فقلت يا رسول الله ما علمني احدٌ لكنني فكرت في نفسي وقلت إن سألته مالا كان لي الي نفاذ و ان سألته عمراً طويلاً و اولاداً كان



عاقبتهم الموتَ قالَ ربیعة فنكسَ رأسه ساعة ثم قالَ أَفعلُ ذلكَ فَأَعَنِي  
بكثرَةِ السُّجودِ؛<sup>۱</sup>

ربیعه بن کعب می گوید: پیامبر ﷺ به من فرمود: هفت سال به  
من خدمت کردی، آیا هیچ درخواستی از من نداری؟ عرض کردم  
به من مهلت دهید تا در این زمینه فکر کنم.

فردا صبح به حضرت عرضه داشتم از خداوند برای من بهشت  
را طلب کنید. حضرت به من فرمودند این نوع دعا کردن را چه  
کسی به تو یاد داد؟ گفتم کسی به من این دعا را نیاموخته، خودم  
فکر کردم دیدم اگر ثروت بخواهم از بین می رود، اگر عمر طولانی  
بخواهم عاقبت آن مرگ است، از این رو این درخواست را مطرح  
کردم. حضرت پذیرفتند، بعد فرمودند مرا به زیادی سجده در این  
زمینه کمک کن.

۳. امام مجتبیٰ علیه السلام ۲۵ بار پیاده به حج مشرف شدند، به حدی که  
پای مبارک ایشان ورم کرد. به حضرت گفتند سوار بر مرکب شوید  
تا ورم پای شما از بین برود. فرمودند:

در اثناء راه به منزلی می رسیم شخص سیاهی در آنجا هست که  
همراه او روغنی است که برای ورم پای من مفید است، روغن را از

او بخريد و چانه نزنيد. حضرت به مأمور خود پول دادند كه روغن را از او خريداري كند. آن شخص سياه پرسيد روغن را براي چه كسي مي خواهي؟ گفت براي امام حسن مجتبي عليه السلام گفت مرا نزد آن بزرگوار ببريد. وقتي مشرف شد، گفت يابن رسول الله من از شما پول نمي خواهم، از خدا بخواهيد به من پسري عنايت كند كه شما خاندان را دوست داشته باشد، «و لكن ادع الله ان يرزقني ولداً سوياً ذكراً يُحبكم اهل البيت». <sup>۱</sup> چه اندازه اين انسان زرنگي بوده است. اگر امام معصوم به من و شما پول بدهند افتخار مي كنيم، اما اين شخص پول نگرفت و لكن درخواست بهتري كرد كه فرزندش محباً اهل بيت باشد.

۴. نمونه ديگر در همت عالي، آن شخص سلماني است كه وقتي سر و صورت حضرت رضا عليه السلام را اصلاح كرد، امام عليه السلام وسايل و ابزار سلماني و آرايشي او را تبديل به طلا كردند، آن شخص گفت: يابن رسول الله من طلا نمي خواهم، طلا چه دردي را از من دوا مي كند؟ فقط هنگام مرگ به فرياد من برسيد. اين فكر را گویند فكر الهی و ربانی. امام فرمودند اين طلاها نزد تو باشد، به هنگام مرگ هم نزد تو خواهم آمد.

۵. آقای واله می فرمود: يك روحاني به من گفت در ۱۳ رجب از

امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کردم عیدی من انقطاع عن الخلق باشد و نشانه دادن این عیدی این باشد که یک انگشتری نیز به من هدیه کنید. آن روحانی گفت وقتی به منزل رفتم به من گفتند یک شخصی برای شما انگشتر آورده است "بارک الله به این همت والا" امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله از خداوند می فرماید: «لاقطعن أمل كل مؤمل يأمل غیري ولا كسونه ثوب المذلة في الناس»<sup>۱</sup>.

## ۵. تلاش افراطی در زندگی

شخصی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت شما کار خود را بر چه اساسی بنا نهادید «علی ماذا بنیت امرک؟» حضرت فرمود: بر چهار امر کار خود را پایه گذاری کردم؛ ۱. دانستم که عمل مرا غیر از خودم انجام نمی دهد لذا تلاش و کوشش کردم؛ «علمت انّ عملی لا یعمله غیری فاجتهدت». ۲. دانستم که خداوند بر من مطلع و آگاه است، خجالت کشیدم «علمت انّ الله مطلع علی فاستحیت». ۳. دانستم رزق مرا دیگری نمی خورد، آرام شدم «علمت انّ رزقی لا یأکله غیری فأطمأنت». ۴. دانستم آخر کار زندگی من مرگ است آمادگی پیدا کردم «علمت انّ آخر امری الموت فاستعددت»<sup>۱</sup>.

این همه تلاش برای به دست آوردن پول و این همه بازارگرمی و تبلیغات راست و دروغ را به هم بافتن به چه جهت؟ چه کسی می خواهد استفاده کند؟ و چه کسی در قبر می خواهد جواب بدهد؟ خاندان وحی از من و شما توقع قناعت دارند، والله پیامبر مثل من و شما زندگی نمی کردند.

### توجه به مادیات عامل دوری از معنویات

۱. در اکثر مجالس عروسی که برپا می‌شود مردم با خوردن غذاها و شیرینی‌جات متنوع، دیگر نمی‌توانند توفیق نماز شب را داشته باشند یا اینکه در برخی از مجالس محرم و نامحرم کنار هم می‌نشینند و جوک می‌گویند و می‌خندند. شخصی آمد خدمت امام صادق علیه السلام گفت از نماز شب محروم می‌شوم. حضرت فرمودند: گناه روز باعث محرومیت از نماز شب است؛ «أنت رجل قد قیدتک ذنوبک»<sup>۱</sup>.

برنامه‌های تلویزیون هرچند حلال و پاک باشند اما هرگز با تلاوت قرآن و دعا برابری نمی‌کند و نوعاً سرگرمی به این فیلم‌ها و سریال‌ها، مانع توجه به خداوند است. وقتی برخی از مردم ۲۰۰ هزار تومان پول می‌دهند برای خریدن گل در تشییع جنازه، دیگر توفیق خدمت به نیازمندان سلب می‌شود. وقتی پول برای خرید اجناس عتیقه مانند آفتابه لگن زمان ناصرالدین شاه داده می‌شود، دیگر نوبت نمی‌رسد که به جهیزیه دختران محروم کمک کنیم.

## ۶. رفوزکی و امتحان الهی

یکی از سنت‌های الهی موضوع امتحان است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ثلاثٌ یمتحنُ بها عقولُ الرجالُ المالُ والولایةُ والمصیبةُ»<sup>۱</sup> امتحان بسیار چیز خوبی است چون عامل رشد و تکامل بشر است. اگر امتحان بد بود که در مدارس و دانشگاه‌ها از فرزندان من و شما امتحان نمی‌گرفتند. هرکس به نوعی امتحان می‌شود، رئیس هیئت به یک نوع، رئیس کارخانه به نوعی دیگر، فرمانده جنگ به یک نوع، من و شما به یک نوع امتحان می‌شویم.

عبیدالله ابن عباس فرمانده لشکر امام حسن مجتبی علیه السلام بود، از طرف معاویه نیم میلیون برای او آوردند، امام را رها کرد و رفوزه شد. شخصی خانه ۴ طبقه می‌سازد، آفتاب و آسایش ۶ خانه را از بین می‌برد. این آقا هم در امتحان به وسیله پول زیادی رفوزه شده است.

من و شما هم در قضاوت‌هایی که برای افراد می‌کنیم چون درست قضاوت نمی‌کنیم، رفوزه می‌شویم. یکی از راه‌های موفقیت

در امتحان خواندن دعاها است از جمله این دعای نبوی «أعددت لكلّ قول لا اله الا الله و لكلّ همّ و غمّ ماشاء الله و لكلّ نعمة الحمد لله و لكلّ رياء الشكر لله و لكلّ مضيبة انا لله و انا اليه راجعون و لكلّ عدو اعتصمت بالله و لكلّ طاعة و معصية لا حول و لا قوة الا بالله»<sup>۱</sup>.

### علّت خلیل شدن حضرت ابراهیم علیه السلام

از جمله پیامبران بسیار بزرگ الهی حضرت ابراهیم علیه السلام است. در جمع تمام انبیاء تنها حضرت ابراهیم است که خداوند او را خلیل خویش قرار داده است (وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)<sup>۲</sup>، در اینکه به چه جهت به این مقام رسیده‌اند، روایات مختلف است از جمله اینکه: احدی را از در خانه خود محروم نکرد و از غیر خداوند سؤال نکرد. امام رضا علیه السلام فرمودند «انما اتخذ الله ابراهيم خلیلاً لانه لم یرد احداً و لم یسأل احداً»<sup>۳</sup>. دوم اینکه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زیاد صلوات می‌فرستاد. سوم اینکه زیاد سجده می‌کردند «کثرة سُجُودِهِ عَلَى الْأَرْضِ».

سهم ما از عمر همین چند سالی است که زندگی می‌کنیم، دیگر به این دنیا بر نمی‌گردیم. اگر بخواهیم ما هم مانند حضرت ابراهیم علیه السلام دوست خدا شویم چنان که در زیارت امین الله می‌گوییم

۱. بحار الانوار ج ۸۴ ص ۵

۲. نساء ۱۲۵

۳. وسایل ج ۴۴۱/۹

«محبوبة في أرضك و سمانك»، باید همان راه ایشان را طی کنیم، مثلاً وقتی کسی به ما مراجعه می‌کند که واقعاً نیازمند است، از خدمت به او مضایقه نکنیم و او را محروم برنگردانیم. علاوه روحیه‌ای داشته باشیم که در زندگی از کسی به‌جز خداوند متعال سوال نکنیم و کشکول‌گذاری خود را نزد هرکسی نبریم، امامان از ما انتظار دارند عزت نفس خود را حفظ کنیم.

### تذکره به مسئولین

آقایان هر مسئولیتی که در نظام جمهوری اسلامی دارند، مبدا قضیه علی بن یقطين را فراموش نکنند. وقتی که علی ابن یقطين خدمت امام کاظم علیه السلام رسید، او را نپذیرفتند. علت را جویا شد، حضرت فرمودند: به چه جهت ابراهیم جمال (شترچران) را نپذیرفتی؟ با اینکه او مشکلی داشت و تو می‌توانستی مشکل او را حل کنی. پرسید: چگونه می‌توانم جبران کنم؟ حضرت فرمودند: نیمه شب می‌روی به قبرستان بقیع، مرکبی آنجا آماده است، سوار آن می‌شوی تو را به منزل ابراهیم می‌رساند. همین کار را کرد، سوار مرکب شد تا به منزل او رسید. درب زد.

گفت: کیست این موقع شب منزل من آمده؟ گفت: وزیر هارون، علی ابن یقطين هستم. تعجب کرد، وقتی بیرون آمد گفت: به جهت



بی‌اعتنایی بر تو، امام کاظم علیه السلام مرا نپذیرفتند. اکنون بیا و پای خود را به صورت من بگذار تا امام از من راضی شود. ابراهیم راضی نمی‌شد، لکن علی ابن یقظین اصرار زیاد کرد تا این عمل را انجام داد. بعد که خدمت امام کاظم علیه السلام رسید، او را به حضور پذیرفتند.

### فهمیدن اسرار خلقت

اسرار خلقت در نظام هستی را ما نمی‌فهمیم. اگر حضرت موسی علیه السلام متوجه اسرار بعضی از امور نیست و حضرت خضر او را متوجه می‌کند، حالا با این احوال آیا شما انتظار داری که اسرار خلقت را درک کنی؟ اگر انسان تسلیم خداوند باشد، دیگر به کارهای خداوند اعتراض نمی‌کند که چرا باران نیامد، چرا باران زیاد آمد؟ چرا هوا زیاد گرم است؟ چرا هوا خیلی سرد است؟

## ۷. اثر عمل خیر و شر

دین ما دین علم و معرفت است. هر کاری که انجام می‌دهیم باید بر طبق دلیل و منطق باشد. این که می‌گویند روز ۱۳ فروردین نحس است، باید پرسید به چه دلیل؟ واقعاً میان ۱۳ فروردین و ۱۲ فروردین چه فرقی وجود دارد؟ تعطیل کردن مغازه و رفتن به تفریح خارج از شهر به‌خاطر نحوست، خرافات است. نحوست روزگار مربوط به اعمال خود مردم است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انکم فی آجال منقوصة و اعمال محفوظة و الموت یأتی بغتة من یزرع خیراً یحصد غبطة و من یزرع شراً یحصد ندامة لکل زارع ما زرع لا یتسبق بطنی بحظه و لا یدرک و یحصد ما لم یقدر له»<sup>۱</sup>.

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو

نام فروردین نیارد گل به باغ

شب نگردد روشن از اسم چراغ

هیچ اسم بی مسمی دیده‌ای

یا ز گاف و لام گل، گل چیده‌ای

هیچ گندم کشته‌ای جو بر دهد

یا که دیدی اسب گره خر دهد؟

فرزند امام صادق علیه السلام بیمار شد، حضرت متوجه شدند فرزندشان به کنیز منزل تندی کرده، امام به کنیز فرمود: «فرزند مرا ببخش و عفو کن». تا کنیز عفو کرد، همان‌جا فرزند امام شفا پیدا کرد. امام عرضه داشتند: خداوندا تو را شکر می‌کنم که عقوبت فرزندم را به قیامت نینداختی.

### اثر مال حرام

امام صادق علیه السلام فرمودند: «من جمع مالا من معاوش اذهب الله ماله فی نهابر». شخص خراسانی به امام عرضه داشت فارسی بفرمایید تا ما هم بفهمیم. حضرت فرمود: (از باد آید به دم شود). در ایام جوانی برای منبر رفتن به طبرس رفتم، یک روحانی روی منبر این قضیه را بیان کرد که تا به حال بنده در کتابی ندیده‌ام، ولی مطلبی است مطابق با حقیقت؛ زنی بود شیر می‌فروخت اما گاهی آب داخل در شیر می‌ریخت و غش می‌کرد.

زن از دنیا رفت و پول‌های خود را در صندوق گذاشته بود. این صندوق پر از پول به فرزندش که مسئول کشتی (ناخدا) شده بود، به ارث رسید. او این صندوق را به همراه خود می‌برد، یک مرتبه متوجه شد سروصدا بلند شده، پرسید چه خبر است؟ گفتند یک

میمون داخل کشتی آمده و تمام پول‌هایی را که داخل صندوق بوده به دریا ریخته است.

این عمل مصداق همان سخن امام صادق علیه السلام است که «از آب آید به دم شود» یعنی پولی که از آب آید باید به آب وارد شود. آری «باد آورده را باد می‌برد».

### اثو اخلاص

هر کاری انجام می‌دهیم برای رضای خدا باشد. مسجد ساختن، درمانگاه ساختن، به مجلس ترحیم رفتن، عزاداری کردن و نذر کردن. «حنه» مادر مریم وقتی احساس کرد حامله است، نذر کرد فرزندش خدمتگذار مسجد باشد؛ (رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا).<sup>۱</sup> وقتی شوهرش عمران متوجه شد، گفت چرا چنین نذری کردی شاید فرزند تو دختر باشد و همین‌طور هم شد، وقتی وضع حمل کرد دید فرزندش دختر است که نمی‌تواند در برخی از ایام به مسجد برود. عرضه داشت خداوندا! (رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ)<sup>۲</sup> این زن از آنجا که نذرش برای رضای خدا بود، نه برای کسب شهرت و نه برای خودنمایی، لذا خداوند متعال حضرت مریم علیها السلام را به او عنایت فرمود که مادر یک پیامبر شد به نام حضرت عیسی علیه السلام.

۱. آل عمران ۳۵

۲. آل عمران ۳۶

## ۸. وظیفه ما در عصر غیبت

انسان در عمل به احکام شرعی یا باید مجتهد باشد یا مقلد و یا محتاط و فقیه جامع شرایط کسی است که بتواند احکام الهی را از روایات معصومین علیهم السلام استنباط کند، به علاوه بتواند خود را از گناه حفظ نماید؛ «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهِ مَطِيعًا لِأَمْرٍ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كَلَّهُمْ»<sup>۱</sup> وظیفه همه ما در عصر غیبت عمل به رساله مجتهد است و سخن هیچ کس در زمان غیبت در عمل به احکام برای ما حجت شرعی نخواهد بود، نه سخن مهندس، نه دکتر، نه پروفیسور، نه فردی که به اروپا رفته. بنده با اینکه شصت سال عمر دارم نمی توانم احتیاط کنم و پنجاه سال دیگر هم که درس بخوانم، استعداد فقیه و مجتهد شدن را ندارم، از این رو مقلد هستم.

### وجوب امر به معروف

یکی از واجبات امر به معروف است که حضرت زهرا علیها السلام در

خطبه خود به آن اشاره کردند. حضرت علل احکام را بیان کردند: «فرض الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك والصلاة تنزيهاً من الكبر وصله الرحم مناه للعدد والزكاة نماء في الرزق والأمر بالمعروف مصلحة للعامة»<sup>۱</sup>.

اصلاح جامعه در این است که امر به معروف احیاء شود و نمیرد. امر به معروف بر همه واجب است. در بازار، در اداره، در کوچه و خیابان، در کوبه قطار، در هواپیما، در همه اقشار، به پدر باید گفت، به پسر باید گفت، به همسر باید گفت، به رفیق باید گفت، به همکار باید گفت، طرح باید ریخت، نوار باید تکثیر کرد، تکلیف به مالایطاق که نکردند، البته با وجود چهار شرط ۱. علم به معروف و منکر لازم است ۲. احتمال تأثیر بدهم ۳. احتمال ضرر جانی یا مالی ندهم ۴. طرف اصرار بر گناه نداشته باشد، که البته این شرایط همه جا فراهم نیست.

### عدم مجوز برای ریش تراشی

در حجره تجاری یکی از دوستان بودم، شخصی وارد شد که ریش خود را کوتاه کرده بود، من صلاح ندیدم در آنجا او را نصیحت کنم، زیرا در حدیث است «من وعظ آخاه سرّاً فقد زانه و من وعظ آخاه علانیةً

فقد شانه»<sup>۱</sup>، وقتی آن شخص خارج شد گفتم برادر شما چرا ریش خود را می تراشید؟ ناراحت شد، برگشت نزد آن تاجر. به او گفت آیا تا به حال من دروغ گفته‌ام؟ گفت خیر. گفت خیانت کرده‌ام؟ گفت خیر. پس چرا این شیخ به من اعتراض می‌کند و می‌گوید چرا ریش خود را تراشیده‌ای؟ او خیال می‌کرد که اگر دروغ نگفت و خیانت نکرد، دیگر مجوز برای ریش تراشی دارد.

### ضرورت تبلیغ

مرحوم بهلول می‌فرمودند: من به نجف برای تحصیل رفتم، به خدمت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله علیه رسیدم و مقلد ایشان نیز بودم. ایشان به من فرمودند: به چه جهت به نجف آمده‌ای؟ گفتم برای ادامه تحصیل. فرمودند: از چه کسی تقلید می‌کنی؟ گفتم از شما. فرمودند: اگر از من تقلید می‌کنی درس خواندن بر شما حرام است و منبر رفتن واجب، به جهت اینکه این وضعی که رضاخان درست کرده، تا آن زمانی که تو مجتهد بشوی دیگر مسلمانی باقی نمی‌ماند که از تو تقلید کند.

### لزوم علم به احکام الهی به هنگام بیان

هنگامی که حکم مسئله‌ای را نمی‌دانید، بیان نکنید. مرحوم امام امت و آیت‌الله خوئی به طور مطلق نمی‌گویند که اگر کسی مساوی به قبر امام معصوم نماز بخواند نمازش باطل است. سابقاً برخی از فقها این فتوا را می‌دادند، لکن فتوای فعلی این نیست، اما هم اکنون برخی از خادمان حرم یا برخی از زوَّار به برخی دیگر از مردم می‌گویند کنار قبر امام نماز خواندن باطل است، با اینکه نماز درست است، یا اینکه اگر مرد و زن کنار هم بایستند و نماز بخوانند بعضی از مردم می‌گویند نماز باطل است، با اینکه نماز درست است. بنابراین وقتی که حکمی را ندانستید و بیان کردید خودتان را خسته کرده‌اید و زائر امام معصوم را هم ناراحت کرده‌اید. علاوه بر این هیچ اجری هم به شما نمی‌دهند.

### روضه سخت نخواندن

مرحوم بهلول می‌فرمودند: ما حق نداریم روضه‌های سخت بخوانیم که حرمت و عظمت امام علیه السلام از بین برود. مردم می‌خواهند گریه بکنند، می‌خواهند گریه نکنند.



## ۹. موعظ لقمان و لزوم ادب و مراقبت

از جمله نصایح حضرت لقمان این چهار جمله است که عامل خوشبختی است؛ «اذا كنتَ في الصلاة فاحفظ قلبك و اذا كنتَ على المائدة فاحفظ حلقك و اذا كنتَ بين الخلق فاحفظ لسانك و اذا كنتَ في بيت الغير فاحفظ عينك»<sup>۱</sup>، بنابراین انسان مسئولیت دارد. ما حق نداریم هر حرفی را بزنیم و هر جا دلمان خواست برویم. حق نداریم هر غذایی را بخوریم «لیسَ لك ان تجلسَ مع من شئتَ لیسَ لك ان تقولَ ما شئتَ».

امام کاظم علیه السلام وقتی از کنار منزلی عبور می‌کردند صدای آواز شنیدند، از شخصی که بیرون آمده بود پرسیدند: صاحب منزل بنده است یا آزاد؟ گفت آزاد. صاحب منزل وقتی متوجه این قضیه شد به دنبال آن شخص که امام کاظم علیه السلام بود راه افتاد و گفت من توبه کرده‌ام، من بنده‌ام نه آزاد. نام آن شخص بُشر حافی است.

### مراقبت مادر مرحوم مجلسی رحمته الله

در روز عید غدیر ۳ تومان عیدی به مجلسی اول و برادرش دادند. اینها گفتند: ما وقتی قبول می‌کنیم که مادرمان اجازه دهد، وقتی از مادر سؤال کردند، ایشان گفته بود فرزندان! من با ۱۴ قازیبگی (پول رایج آن زمان) شما را اداره می‌کنم، اگر این پول در زندگی شما بیاید آنگاه وضع زندگی شما عوض می‌شود و به غذا و لباس خوب که عادت کرده، بعد از تمام شدن این پول در آینده به شما سخت می‌گذرد.

یک همشهری بنده دارم، می‌گوید: من یک بالشت دارم، اگر به سفر ببرم خوابم می‌برد و آلاً خوابم نمی‌برد. بنابراین کسی که عادت پیدا کرد به غذاهای خوب، وقتی در یک جا فراهم نبود به او سخت می‌گذرد.

آقای محدث‌زاده پسر مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله به بنده فرمودند: پدرم ۶ سال مراقبت داشتند تا اینکه گوش (دل) ایشان باز شد (و برخی از امور را متوجه می‌شدند). چه خوب است آدمی مراقب باشد، چه خوب است انسان در گفتار خود مؤدب باشد. شبی یک مستمند به مسجد الحمید واقع در خیابان ۱۷ شهریور آمد و در برابر جمعیت گفت من محتاجم، به من کمک کنید، بعد گفت هرکسی به من کمک نکند نامرد است.

### حرمت غیبت و دروغ

امام صادق علیه السلام خطاب به کعبه فرمودند: به خدا قسم حرمت مؤمن از تو بیشتر است. متأسفانه به نام تحلیل سیاسی از افراد زیادی غیبت می‌شود. میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است، هرچه را به گوش شنیدید درست نیست، اگر انتقادی دارید نامه بنویسید به خود آن شخص بگویید. از گناهان بسیار بزرگ، مسأله دروغ و غیبت است. این دو گناه عبادت‌های من و شما را به آتش می‌کشد.

مرحوم شیخ انصاری رحمته الله در مکاسب محرمه حدیثی را بیان می‌کنند که دروغ در ردیف شرک به خداوند است؛ «ألا أخبركم بأكبر الكبائر قالوا بلى فقال الا شراك بالله و عقوق الوالدین و قول الزور».

شیخ هاشم قزوینی در درس می‌فرمودند: در اصفهان ملک‌التجاری است که هفتاد کارگر دارد، اما همین آقا آن قدر کم‌فکر است که نمی‌تواند بیشتر از هزار تومان را بشمارد. بعد می‌فرمودند: اگر در زندگی دروغ گفتن نقش دارد، پس چگونه این تاجر کم‌فکر ملک‌التجار می‌شود و هفتاد تا کارگر را اداره می‌کند.

امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: «أتقوا الكذب في الصغیر والكبیر في كل جدّ و هزل فإن الرجل اذا كذب في الصغیر اجترأ على الكبیر».<sup>۱</sup>

شما تبلیغات دروغی که در بازار مسلمین هست را ببینید، مثلاً پشت شیشه مغازه می‌نویسند حراج واقعی یا ارزان‌تر از همه‌جا. گاهی انسان می‌خواهد یکی از اقوام و دوستان خود را به مجلس شورای اسلامی بفرستد، در کنار تبلیغات خود ده تا رقیب دیگر را خراب می‌کند و شخصیت آنها را از بین می‌برد تا بتواند رأی بیاورد. اگر در مجلسی برای شما چای آوردند و به چای میل دارید ولی می‌گویید نمی‌خواهم، این دروغ است، اما اگر بگویید چای نمی‌خورم، این سخن اشکالی ندارد.

## ۱۰. اهمیت نماز در مکتب اسلام

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن ابوبکر می‌فرماید: «صلِّ الصلاة لوقتها الموقت و لا تعجل وقتها لفراغ و لا تؤخرها عن وقتها لاشتغال واعلم ان كل شيء من عملك تبع لصلاتك»<sup>۱</sup>.  
 مسأله نماز در مکتب اسلام دامنه وسیعی دارد. والله نه من می‌دانم، نه شنیده‌ام، نه مطالعه کرده‌ام، دیگران هم مثل بنده هستند. در روایات است که هر مشکلی داشتید نماز بخوانید، در دسر هستی نماز بخوان، درد پا هستی نماز بخوان، قرض داری نماز بخوان، حافظه‌ات کم شده نماز بخوان، رزق تو کم شده نماز بخوان، حاجت داری نماز بخوان، نماز پل ارتباط با خداوند است که انسان را از گناه ننگه می‌دارد.

نماز به تعبیر حضرت فاطمه علیها السلام غرور و تکبر را از بین می‌برد؛ «تنزیهاً من الکبر». اگر کسی پشت میز نشسته و با ارباب رجوع تند برخورد می‌کند و گرفتار تکبر و غرور است، بداند که نمازش درست نیست، و آلا می‌بایست غرور او از بین می‌رفت.

امیرالمؤمنین علیه السلام از اصحاب خود پرسیدند: امیدوارترین آیه قرآن کدام است؟ هریک آیه‌ای را بیان کردند، حضرت نپذیرفتند و در نهایت فرمودند: امیدوارترین آیه در قرآن مربوط به نماز است؛ (إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ). در روایات دیگر فرمودند آیه شفاعت است؛ (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رِبَّكَ قَرْضًا)!

روایتی است در جلد ۵ وسائل الشیعه که پیامبر تصمیم گرفتند کسانی که به مسجد نمی‌آیند منزلشان را آتش بزنند (البته پیامبر این کار را نکردند، به منظور تذکر به مردم هشدار دادند)، وقتی خیر منتشر شد، شخص ناینایی به پیامبر عرضه داشت گاهی شخصی نیست مرا کمک کند به مسجد بیایم. حضرت فرمودند: یک نخ یا ریسمانی از خانه‌ات به مسجد بکش و از این طریق در مسجد حضور پیدا کن.

### سیره بزرگان در اهتمام به نماز

الف. آیت الله سید احمد خوانساری و اهمیت نماز؛

مرحوم سید علی قاضی رحمته الله علیه به علامه طباطبایی رحمته الله علیه فرموده بود دنیا می‌خواهی، نماز شب، آخرت می‌خواهی، نماز شب.  
آیت الله سید احمد خوانساری فرمودند: اول وقت نماز بخوانید

و با حضور قلب نماز بخوانید و با طمع بهشت نماز نخوانید. ایشان از سن نوجوانی تا ۹۸ سالگی نماز ۵۱ رکعت خواندند.

بنده به تهران منزل ایشان رفتم، فرزندشان جعفر به من گفتند این دوره سوم است که پدرم نمازشان را اعاده می‌کنند و وصیت کردند کتاب‌های مرا بفروش و فرش منزل را با اجازه ورثه بفروشند و برای ایشان نماز بخوانند. آیا مرحوم سید احمد خوانساری بیکار بودند یا برای وقت خود ارزش قائل نبودند که این اندازه نماز می‌خواندند؟ امام امت برای ایشان نامه نوشتند که من از شما برای عاقبت بخیری خود التماس دعا دارم

### ب. تقیّد امام امت به نماز اول وقت؛

فرزند امام امت می‌گفتند پدرم به هنگام مریضی به من فرمود به هنگام نماز مرا بیدار کن، من هم ده دقیقه بعد از اذان ایشان را بیدار کردم. فرمود پسر من نوعاً نمازم را در اول وقت می‌خواندم، چرا در زمانی که عمر من دیگر تمام شده به هنگام اول وقت مرا بیدار نکردی؟

جناب آقای صیّاد شیرازی می‌گفتند در زمان جنگ با امام امت مشغول صحبت بودیم، یک مرتبه امام بلند شدند که بروند، آقای هاشمی رفسنجانی پرسیدند مگر حال شما مساعد نیست؟ امام امت فرمودند مگر نمی‌بینید مؤذن اذان می‌گوید.

### ج. تفاوت بالا شهری ها با پایین شهری ها:

آقای مشتاقیان می گفتند شبی در مشهد به قسمت بالا شهر رفتم و شب در منزل شخصی خوابیدم. صبح برای نماز بیدار شدم و بیرون آمدم، به چهار مسجد که در بالا شهر بود مراجعه کردم، هر چهار مسجد بسته بود، آخر الامر به یک منزل زنگ زد، گفتم اجازه بدهید من یک وضو بگیرم تا نماز صبح من قضا نشود، بعد می فرمودند در خیابان طبرسی در محله ای که ما زندگی می کنیم، چهار مسجد وجود دارد که در هر چهار مسجد نماز جماعت خوانده می شود.

یکی از علما می گفت من به لاهیجان رفته بودم، از بس در آن شهر آلودگی به گناه را دیدم روزی دو رکعت نماز می خواندم تا خداوند مرا حفظ کند. چرا امام صادق علیه السلام به هنگام احتضار موضوع نماز را مطرح کردند و هیچ موضوع دیگری را بیان نکردند و فرمودند: «ان شفاعتنا لا تنالُ مُستخفاً بالصلاة»<sup>۱</sup>.

لذا بی توجهی کردن به نماز عقوبت دارد، در روایات است هر کس به نماز بی توجه باشد، پانزده عقوبت دارد. آقای واله می فرمودند: روزی می خواستم بروم مسجد برای نماز، لحظاتی به نماز مانده بود، گفتم اول بروم از لبتیاتی ماست برای منزل بخرم



بعد به مسجد می‌روم تا سطل ماست را خریداری کردم. در بین راه یک مرتبه ته سطل کنده شد و همه ماست‌ها به زمین ریخت.

### فایده کمک خواستن از نماز

۱۱ بار منصور دوانیقی امام صادق علیه السلام را احضار کرد. پیش از آن که حضرت نزد منصور برود به آن مأمور فرمود اجازه بده دو رکعت نماز بخوانم. وقتی نزد منصور رفت نخست منصور غضب می‌کرد، اما یک مرتبه خشم و غضبش از بین می‌رفت و به امام احترام می‌کرد. امام این جملات را نزد منصور می‌خواند «حَسْبِي الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِي الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي». گاهی می‌فرمودند «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»<sup>۱</sup>

سؤال؛ آیا امام نیاز به خواندن نماز داشتند تا از شر منصور محفوظ بمانند، با این‌که اگر اشاره کنند تاج و تخت او در هم می‌ریزد؟ این کار امام صادق علیه السلام برای من و شما درسی است که «به هنگام مشکلات به خدا پناه ببرید» متأسفانه جامعه ما نسبت به نماز بی‌توجه است. گاهی ۵۰۰ نفر نماز میت می‌خوانند، لکن ۹۰٪ نماز میت را بلد نیستند، جز اینکه تکبیرات آن را می‌گویند. با اینکه

اذکار آن واجب است خوانده شود، اما مردم سکوت می کنند.

### توجه به نماز در شب معراج

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج به اماکن مختلفی رفتند و در همه جا دستور داده شد اینجا نماز بخوان از جمله: بیت المعمور، بیت اللحم (محلّ ولادت حضرت عیسی علیه السلام)، طور سینا (محلّ مناجات حضرت موسی علیه السلام)، مسجد مدینه، مسجد کوفه. در روایت آمده است: نماز آخرین وصیت انبیاء است؛ «أحبُّ الأعمالِ الى الله عزَّوجلَّ الصلوة و هی آخرُ وصایا الانبیاء»<sup>۱</sup>

متأسفانه در جامعه ما نماز وضع خوبی ندارد، به جهت رفتن به عروسی نماز بسیاری از مردم قربانی می شود، حالا بحمدالله یک مقدار فعالیت هایی برای نماز انجام می شود، مانند سمینار نماز که از طرف جناب آقای قرآنی برگزار می شود و ایشان چند کتاب درباره نماز نوشته اند.

## ۱۱. مقامات مصومین علیهم السلام

### ۱. فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سایر انبیاء:

رؤسای یهود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند، گفتند: گمان می‌کنی شما رسول خداوند هستی نظیر موسی و سایر انبیاء؟ حضرت فرمودند: در این که من رسول خدا هستم، آری، اما اینکه بگویم نظیر موسی و سایر انبیاء هستم، چنین حرفی را نگفتم و آنچه را خداوند تعظیم نموده از قدر و منزلت من، آن را نیز کوچک نمی‌شمارم، بلکه خداوند به من فرموده: فضیلت تو بر جمیع انبیاء و مرسلین و ملائکه مقربین مانند فضیلت «من رب العزة» بر همه مخلوقات جهان است. آنها تصمیم گرفتند پیامبر را به خاطر این سخن به قتل برسانند ولی نتوانستند و ناکام ماندند؛

«فقال رؤسائهم یا محمد جئت تزعم انک رسول رب العالمین نظیر موسی و سایر الانبیاء المتقدمین فقال رسول الله أما قولى انى رسول الله فنعمة و اما ان قولى انى انما نظیر موسی و سائر الانبیاء فما أقول هذا و ما كنت لأصغر ما عظمه الله تعالى من قدرى بل قال ربى یا محمد ان فضلک على جمیع الانبیاء والمرسلین والملائکة المقربین کفضلى و أنا رب العزة على سایر الخلق أجمعین فغلظ ذلك على اليهود و هموا بقتله ... لا یقدر أن

يحرکها ويتحیروا...»<sup>۱</sup>

## ۲. توسل به امامان علیهم السلام؛

امامان معصوم به حدی عظمت و جلالت دارند که انبیاء الهی در مشکلات به آنها متوسل می‌شوند، در روایت است وقتی حضرت موسی علیه السلام خواست عصا را به سنگ بزند تا چشمه آب بجوشد این دعا را خوانده است: «اللهم بحق محمد سید الانبیاء و بحق علی سید الرضیاء و بحق فاطمة سیده النساء و بحق الحسن سید الاولیاء و بحق الحسین سید الشهداء و بحق عترتهم و خلفاتهم و سادة الاصفیاء»<sup>۲</sup>

## ۳. لطف امامان به شیعیان؛

انسان هر امتیازی که دارد در رأس آن خاندان اهل بیت علیهم السلام آن امتیاز را دارند و به برکت آنها کمالات به دیگران داده شده است. مرحوم علامه شبر در خواب می‌بیند امام کاظم علیه السلام یک قلم به ایشان لطف کردند، حال آثار پربرکت ایشان را ببینید (حق الیقین، تفسیر شبر، اخلاق شبر و...). شیخ جعفر شوشتری رحمته الله کم حافظه بود، امام حسین را در خواب می‌بیند که دو سه لقمه غذا به او می‌دهد، بعد از آن خوش حافظه شد. امام علیه السلام می‌فرماید:

۱. تفسیر برهان ج ۱ ص ۱۶۳ ذیل آیه ۴۴ بقره

۲. مستدرک ج ۵ ص ۲۳۶

«بنا والله الان الحديد لداود عليه السلام»<sup>۱</sup>.

#### ۴. عاقبت دشمنی با اهل البيت علیهم السلام؛

ابوعینیه نقل می‌کند: شخصی آمد خدمت امام باقر علیه السلام و گفت یابن رسول الله! من مرد فقیری هستم، پدرم با اینکه ثروت زیادی داشت، لکن به جهت اینکه من به شما علاقمند بودم و او دشمن شما بود، ثروت خود را از من مخفی کرد تا از دنیا رفت. حال هرچه جستجو کردم ثروت او را پیدا نکردم. حضرت نامه‌ای نوشتند و به من دادند، فرمودند: برو به قبرستان بقیع، در آنجا بایست و بگو: «یا درجان»، شخصی عمامه به سر به طرف تو می‌آید، نامه را به او بده و بگو من فرستاده محمد بن علی هستم و از او بپرس پدرت پول‌ها را کجا مخفی کرده است؟ ابوعینیه می‌گوید من به منزل امام باقر رفتم ببینم قضیه از چه قرار است، دیدم همان شخص آمد گفت امر امام را امتثال کردم و نامه را به درجان دادم، ناگاه دیدم شخص سیاهی و به روایتی سگی را به زنجیر کشیده و به همراه آورد.

گفت این پدر توست، گفتم این پدر من نیست. گفت پدر توست و لکن عذاب الهی او را به این صورت درآورده است، گفتم

تو پدر من هستی؟ گفت آری، این عذاب به جهت دشمنی با اهل بیت و دوستی با بنی امیه است که مرا به این صورت درآورده است و تو چون علاقمند به امام باقر بودی ثروتم را از تو مخفی کردم، حالا بسیار پشیمانم.

فرزندم! اموال من در باغ در زیر درخت زیتون است، آنجا را حفر کن، صد هزار درهم در آنجا پنهان کرده‌ام، مبلغ پنجاه هزار درهم برای خودت باشد و پنجاه هزار درهم را به امام باقر تحویل بده. راوی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: این پشیمانی او زود است که به حال او مفید باشد و عذاب الهی از او برطرف گردد.<sup>۱</sup>

### شکرگذاری بر نعمت‌ها

ابو هاشم جعفری به محضر پنج امام معصوم؛ امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و امام زمان علیه السلام رسیده، ایشان وضع مالی خوبی نداشت، آمد خدمت امام هادی و نگفت من وضع مالی‌ام خوب نیست زیرا کسانی که در سطح عالی خود را ساخته‌اند اظهار حاجت نمی‌کنند، اما امام احساس کردند آمده گلایه کند از فقر و تنگدستی.

حضرت شروع کردند یک مقدار از نعمت‌های خداوند را برای

او برشمردند، فرمودند: خداوند به تو خیلی نعمت داده، تصمیم داری کدامین نعمت را شکرگذاری کنی؟

خدا به تو ایمان عنایت کرده که بدن تو بر آتش حرام شده است، خداوند به تو عافیت و سلامتی داده که کمک بر اطاعت او باشد و به تو قناعت مرحمت کرده که از بریز و پپاش خود را نگه داری، ای اباهاشم این امور را گفتم زیرا احساس کردم آمدی از فقر شکایت کنی و هم‌اکنون دستور دادم به تو صد دینار بدهند، آن را تحویل بگیر.

«قال ابو هاشم اصابتنی ضيقة شديدة فصرت الی ابی الحسن علی بن محمد فاذن لی فلما جلست قال یا ابا هاشم ای نعم الله عزوجل علیک ترید ان تؤذی شکرها قال ابو هاشم فوجهت فلم أدر ما اقول له فابتدأ علیه السلام فقال رزقک الایمان فحرم بدنک علی النار و رزقک العافیة فأعانتک علی الطاعة و رزقک القنوع فصانک عن التبذّل یا ابا هاشم انما ابتدئتک بهذا لانی ظننت انک ترید ان تشکو الی من فعل بک هذا و قد امرت لک بمائة دینار فخذها»<sup>۱</sup>.

## ۱۲. ولایت امام معصوم بر همه وجودات

خداوند متعال ولایتی که به ائمه معصومین عنایت کرده به هیچ‌یک از انبیاء نداده است. ائمه معصومین ولی نعمت بر ۱۲۴ هزار پیامبرند. امام امت در کتاب «ولایت فقیه» خود می‌فرماید: ذرات عالم هستی را خداوند در اختیار امام معصوم قرار داده است. این سخن امام امت تأیید می‌شود به جمله‌ای که در زیارت جامعه است «و ذلّ کل شیء لکم» تمام موجودات زمین و آسمان و کیهان و کهکشان، جن و ملک و انسان‌ها، حیوانات گزنده و درنده دریا و صحرا، همه فرمان امام معصوم را به جان می‌خرند.

### ولایت تکوینی معصومین علیهم‌السلام

خداوند متعال به جهت اینکه معصومین علیهم‌السلام مطیع و عبد صالح او هستند، به آنها این قدرت را عنایت کرده که بتوانند در نظام هستی تصرف کنند و فرمان آنها را انس و ملک و جن می‌پذیرند؛

۱. در روایت است حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمودند: «و لقد کانت فاطمة مفترض الطاعة علی جمیع من خلق الله من الجن و الانس و الطیر و



الوحش و الانبياء و الملائكة». <sup>۱</sup> در زیارت جامعه می خوانیم: «ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ».

۲. قدرت امام سجاد علیه السلام:

حضرت می فرمایند: تمام موجودات جهان سخن ما را می پذیرند و اطاعت می کنند؛ «کل خلیقه منقادہ لنا» <sup>۲</sup>.

۳. قدرت امام باقر علیه السلام:

جابر بن یزید جعفی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و تقاضای کمک کرد. امام فرمود: چیزی نزد من نیست که به تو بدهم «ما عندی من درهم»، بعد از لحظاتی کمیت شاعر خدمت امام رسید و قصیده ای در فضیلت اهل بیت خواند، حضرت به او سی هزار درهم لطف کردند. جابر اعتراض کرد، حضرت او را به درون منزل بردند و پای مبارک را به زمین زدند، زمین شکافته شد و شمش های طلا مشاهده گردید، بعد حضرت فرمودند: «ان الله أقدرنا علی ما نرید» <sup>۳</sup>.

۴. قدرت امام صادق علیه السلام:

حضرت می فرمایند: «سبحان الذی سخر للامام کل شیء».

۵. قدرت امام حسین علیه السلام:

حضرت می فرمایند: «ان الله امر کل شیء بالطاعة لنا» در روایت

۱. دلائل الامامه طبری ص ۲۸

۲. صحیفه سجادیه دعای اول

۳. بحار الانوار ج ۴۶ ص ۲۳۹

است عبدالله لیثی گرفتار بیماری تب بود، وقتی امام حسین علیه السلام به عیادت او رفتند، به برکت ورود امام بیماری تب او خوب شد.<sup>۱</sup> امام حسین علیه السلام غیاث المستغیثین و کھف المستجیرین و باب نجات امت است.

#### ۶. قدرت امام رضا علیه السلام؛

حمید بن مهران به حضرت رضا علیه السلام جسارت کرد، گفت اگر باران می بارد به جهت دعای شما نیست، بلکه فصل باریدن باران است، اگر خیال می کنید قدرت دارید، دستور دهید این عکس دو شیر در پرده مجسم شوند. حضرت غضب کردند و گفتند: ای دو شیر! این فاجر را بگیرید؛ «دونکما الفاجر». یک مرتبه دو شیر مجسم شدند و به حیات نحس او خاتمه دادند.

#### ۷. قدرت امام جواد علیه السلام؛

شخصی آمد خدمت امام رضا علیه السلام و گفت آیا برای فرزند خود جواد الائمه کاری ندارید؟ حضرت نامه ای به او دادند که به فرزندش برساند. بعد امام جواد علیه السلام که در گهواره بودند فرمودند: محمد بن میمون چشم تو چطور است؟ گفت نابینا. حضرت از گهواره دست مبارک را دراز کرد و بر چشمان او کشید، بینا شد.

۸ قدرت امام کاظم علیه السلام

سعید بن مسیب گوید در زندان در کنار موسی بن جعفر علیه السلام بودم، حضرت فرمودند: می‌خواهی به مدینه بروی و احوال خانواده‌ات را بررسی؟ گفتم آری. حضرت فرمودند: چشم خود را ببند. امتثال کردم، مقداری با هم راه رفتیم، فرمودند چشم خود را باز کن، باز کردم دیدم در مدینه هستم، فرمودند: برو احوال خانواده‌ات را بررسی. پس از مدتی فرمودند چشم خود را ببند، بستم، باز کن، باز کردم، دیدم در زندان هستم. در زیارت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «ارادة الرب فی مقادیر اموره تهبط الیکم و تصدیر من یتوکم»<sup>۱</sup> شخصی بود به نام ذاذان، خیاط بود و در حال خیاطی شعر می‌خواند. حضرت به او فرمودند: چرا شعر می‌خوانی؟ گفت چیز دیگری بلد نیستم. حضرت فرمودند: قرآن بخوان. گفت دوست دارم، اما بلد نیستم. حضرت یک جمله به گوش او گفتند، حافظ قرآن کریم شد.<sup>۲</sup>

۱. کافی ج ۴ ص ۵۷۷

۲. بحار الانوار ج ۴۲ ص ۱۷

### ١٣. علم غیب مصومین علیهم السلام

١. وقتی کفار از پیامبر تقاضای شق القمر کردند، حضرت خدیجه علیها السلام در حالی که باردار بودند نگران شدند که مبدا کفار کارشکنی کنند. در همین هنگام حضرت زهرا علیها السلام از درون شکم فرمودند: مادر غصه نخور «ان الله مع ابي». خداوند متعال حامی پدر من خواهد بود.

٢. کامل ابن ابراهیم آمد خدمت امام عسکری علیه السلام تا دو سؤال را مطرح کند؛ اول اینکه آیا سخن مفوضه درست است که خداوند جهان را به بندگان واگذار کرده است؟ دوم اینکه بهشتیان چه کسانی هستند؟ هنوز سؤال خود را مطرح نکرده، پرده کنار رفت، حضرت مهدی علیه السلام با اینکه کودک بودند پاسخ سؤال او را دادند، بعد فرمودند: دل ما ظرف اراده خداوند است.

٣. شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد، فرزند امام در گهواره بودند، امام صادق علیه السلام به آن شخص فرمود: برو به فرزندم کاظم سلام کن. حضرت کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند به تو دختری عنایت کرده، اسم بدی برای او انتخاب کردی (حمیراء) که نام عایشه است، برو اسم

دخترت را تغییر بده.<sup>۱</sup>

۴. شخصی آمد خدمت امام کاظم علیه السلام حضرت به او فرمودند: دین ما اجازه نمی‌دهد انسان به شخصی فحش دهد، چرا در بیابان وقتی درگیری پیدا کردید به برادرت فحش دادی؟ برادرت که فحش داده چند روز دیگر از دنیا می‌رود. این شخص گفت پس تکلیف من هم مشخص شد. حضرت فرمودند: آری تو هم به جهت فحش دادن می‌بایست از دنیا بروی، لکن به جهت اینکه به عمه خود خدمت کردی ۲۰ سال به عمر تو اضافه شد.

## ١٤. سیره امام حسین علیه السلام

### ١. احترام به معلم؛

امام حسین علیه السلام پسری داشتند به نام جعفر. معلم هفت آیه از قرآن به او یاد دادند، امام به سبب این تعلیم هزار دینار طلا به او جایزه دادند و هزار حلهٔ یمنی به او بخشیدند. سؤال: آیا این کار امام حسین علیه السلام برای من و شما درس نیست که به معلم فرزند خود احترام قائل شویم و از او تقدیر کنیم؟

### ٢. امام حسین علیه السلام و ساده زیستی؛

شخصی خانه‌ای ساخت که اندکی تجمّلاتی بود، امام حسین علیه السلام را به منزل خود دعوت کرد تا بدین وسیله منزل او به قدم امام متبرک شود. حضرت وقتی وارد منزل او شدند فرمودند: «آخرت دارک و عمرت دار غیرک عزگ من فی الأرض و مقتک من فی السماء»؛ منزل آخرت خود را با این خانه تجمّلاتی ویران کردی و خانه‌ای که ارث به فرزندان می‌رسد آباد ساختی، مردم در زمین تو را عزیز می‌شمارند، اما فرشتگان نسبت به تو خشم دارند. آیا این سخن امام

حسین علیه السلام برای من و شما درس نیست که یک مقدار از تشریفات زندگیمان بکاهیم و به محرومین کمک کنیم؟ علمای ما مانند آیت الله گلپایگانی و امام خمینی اگر تشریفاتی زندگی می‌کردند که به این اندازه نزد مردم عزیز نبودند.

### ۳. ریشه عظمت قمر بنی هاشم علیهم السلام

ریشه و اساس عظمت و جلالت حضرت قمر بنی هاشم در زیارتنامه آن حضرت بیان شده و آن اطاعت از خدا و عبد صالح بودن او است؛ «السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمَطِیْعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ». امام کاظم علیه السلام نیز به عبد صالح معروف است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز عبد صالح است؛ (سُبْحَانَ الَّذِیْ اَسْرَى بِعَبْدِهِ...). قرآن کریم می‌فرماید: (انَّ وَلِیَّ اللّٰهِ الَّذِیْ نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّى الصَّالِحِیْنَ).

در حالات مرحوم عبدالله شوشتری نوشته‌اند کارهای ایشان یا واجب بوده، یا مستحب. ما نیز اگر بنده صالح خدا باشیم می‌توانیم به عظمت نائل شویم.

بندگی کن تا که سلطانت کنند  
 تن رها کن تا همه جانت کنند  
 بندهٔ شیطانی و داری طمع؟  
 تا ستایش همچو یزدانت کنند  
 سربنه بر کف بروی برکوی دوست  
 تا چو اسماعیل علیه السلام قربانت کنند  
 همچو سلمان در مسلمانی بکوش  
 ای مسلمان تا که سلمانت کنند

ای حسین از یاد ایامت دلم را غم گرفت  
 هر زمان نام تو را بردم مرا ماتم گرفت  
 بر تو می سوزد دل هر مؤمن و هر کافری  
 تو حسینی و تو را نتوان به دست کم گرفت  
 بلبلان را شور سودای تو در شیون فکند  
 دامن گلزار را خون تو در پرچم گرفت



## ۱۵. عنایات مصومین علیهم السلام

### ۱. عنایت امام حسین علیه السلام

آقا باقر بهبهانی نقل می‌کند: مردی از ایران به آذربایجان رفت، در آنجا علاقمند به یک دختر مسیحی شد، وقتی خواستگاری کرد پدر و مادرش به او گفتند مشکلی ندارد و لیکن باید دست از اسلام برداری و مسیحی شوی. آن شخص می‌گوید پذیرفتم تا اینکه شب عاشورا شد، شروع کردم گریه کردن. دختر گفت چرا گریه می‌کنی؟ گفتم من غلط کردم مسیحی شدم، خیر، من مسیحی نیستم بلکه من مسلمانم، تو می‌خواهی زن من باشی، می‌خواهی نباشی. بالاخره همسرم شیعه شد و لکن بعد از مدتی از دنیا رفت و او را در قبرستان کفار دفن کردند، من رفتم سر قبر را شکافتم، طلا و جواهرات او را برداشتم و قصد هم داشتم جنازه همسرم را نیز به کربلا ببرم، لکن در خواب به من گفتند ما جنازه همسر تو را بردیم به کربلا کنار مناره‌ای که کاشی سبز دارد، آنجا دفن کردیم، حالا این طلا و جواهرات همسر من است که خدمت شما جناب آقای بهبهانی آورده‌ام. آری اگر امام حسین علیه السلام به یک زن در کشور خارج توجه دارد، آیا به ارادتمندان او که در عزای او شرکت می‌کنند،

توجهی ندارد؟ حاشا.

## ٢. عنایت امام هادی علیه السلام به غیرمسلمان؛

شخصی به نام یوسف بن یعقوب مسیحی بود، متوکل عباسی او را احضار کرد، بسیار وحشت کرد. این شخص صد دینار نذر امام هادی علیه السلام کرد تا از شر متوکل محفوظ بماند. وقتی به سامرا آمد، می‌خواست برود نزد امام نذرش را ادا کند، لکن جرأت نداشت از کسی بپرسد منزل امام هادی علیه السلام کجاست؟ بر قلب او الهام شد بر مرکب خود سوار شود، هرکجا الاغ او رفت و توقف کرد همانجا منزل امام است و همین طور هم شد. یک مرتبه غلام از منزل امام بیرون آمد، گفت یوسف بن یعقوب تو هستی؟ وارد منزل شو! به او گفتند صد دینار را بده. وقتی خدمت امام رسید حضرت فرمود: دروغ گفتند کسانی که خیال کردند اگر غیر مسلمانی به ما پناهنده شود ما به او پناه نمی‌دهیم.

## ٣. عنایت حضرت مهدی علیه السلام به علامه حلی رحمته الله علیه

علامه حلی رحمته الله علیه به کربلا می‌رفتند، در اثناء راه به شخصی برخورد کردند. علامه از آن شخص پرسید: سند این حدیث کجاست؟ آن شخص فرمود: از تهذیب شیخ طوسی. یک مرتبه عصا از دست علامه افتاد، آن شخص عصا را برداشت و به او داد. یک مرتبه علامه پرسید ممکن است در زمان غیبت انسان امام زمان

را ببیند. آن شخص فرمود: چگونه ممکن نیست با اینکه دستش در دست امام زمان است، همان لحظه غایب شد.

#### ۴. عنایت امام زمان به آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه

حجت الاسلام آقای دست پروری می گفتند: در تشییع جنازه آیت الله گلپایگانی بعضی ها امام زمان را مشاهده کردند. بنده به ایشان گفتم تعجبی نیست وقتی امام کاظم علیه السلام به تشییع جنازه شطیطه خانم در نیشابور تشریف بیاورند، آیا امام زمان علیه السلام به تشییع جنازه آیت الله گلپایگانی نمی آیند؟

#### ۵. توقیع حضرت مهدی علیه السلام به سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله علیه

حضرت مهدی علیه السلام به واسطه شیخ محمد کوفی که ۲۵ بار خدمت حضرت رسیده، برای سید ابوالحسن توقیعی به این صورت نوشتند: «ارخص نفسک واجعل مجلسک فی الدهلیز واقض حوائج الناس نحن نصرک».

#### ۶. اطلاع دادن حضرت مهدی علیه السلام از عمر ابن قولویه رحمته الله علیه

ابن قولویه استاد شیخ مفید است، ایشان می خواست به مکه برود، میسر نشد. به شخصی به نام ابن هشام پول دادند گفتند شما به مکه برو و این پول را به کسی بده که حجرالأسود را نصب می کند، چون آن شخص حتماً امام زمان است، زیرا غیر از امام

معصوم قدرت ندارد حجرالاسود را نصب کند. وقتی به مکه آمد یک پولی به آن خادم داد تا بتواند کنار محل حجر بایستد، یک مرتبه امام زمان علیه السلام ظاهر شد. این شخص مانند دیوانه‌ها به دنبال حضرت حرکت کرد، به یک جایی رسیدند که امام علیه السلام تصرف ولایی کردند. توقف کرد، نامه را به حضرت داد. حضرت فرمودند: به این قولیه بگو شما ۳۰ سال دیگر زنده هستی. بعد از گذشت ۳۰ سال وصیت خود را کرد که کجا دفن شود. از ایشان پرسیدند از کجا می‌دانی که از دنیا می‌روی؟ گفت ۳۰ سال پیش به من خبر دادند.

### تشریح به محضر حضرت مهدی علیه السلام

۱. هر چشمی لایق نیست امام زمان علیه السلام را ببیند. چشم اگر آلوده به گناه شود، دیگر نمی‌تواند امام زمان را ببیند. محدث قمی می‌نویسد: ۳ بار مرحوم سید ابن طاووس در مسجد سهله تشریح به محضر امام زمان پیدا کرده است. این قدر نزدیک به حضرت بود که زانوی او به زانوی حضرت وصل می‌شد.

۲. مرحوم آقای افشار به حرم حضرت رضا علیه السلام رفته بود و گفته بود یا بن رسول الله لطف کنید این حاجت مرا برآورده کنید و آن اینکه حضرت مهدی علیه السلام را ببینم، قول می‌دهم از آن بزرگوار هیچ

درخواستی نکنم، یک مرتبه در حال نماز توفیق پیدا می‌کند چشم آقای افشار به جمال زیبای امام زمان می‌افتد، تا می‌خواهد نمازش را بشکند، حضرت اشاره می‌کنند نماز خود را ادامه بده، لکن یک مهر تربت امام حسین علیه السلام به او می‌دهند.

بعد از مدتی یکی از دوستان خود را می‌بیند که بسیار ناراحت است، می‌گوید چرا ناراحتی؟ می‌گوید همسرم مریض است و شاید از دنیا برود، آقای افشار می‌گوید من دوی آن را دارم، مقداری از همان تربت را به او می‌دهد و همسر شفا می‌یابد. از ایشان می‌پرسد تو چه کردی که همسر من زود شفا پیدا کرد؟ می‌گوید معذورم بدار. بالآخره داستان تشرف به محضر امام زمان علیه السلام را می‌گوید که آن حضرت این مهر تربت را به من لطف کردند، بعد گوید: تا من زنده هستم راضی نیستم نقل کنی. وقتی آقای افشار از دنیا رحلت می‌کند، آن شخص شفا یافته می‌رود به خانواده آنها می‌گوید لطف کنید مهر ایشان را به من بدهید. می‌گوید: ایشان وصیت کرده مهر نمازش به همراهش دفن شود، وقتی علت را می‌پرسند این داستان را بیان می‌کند.

۳. بنده از مشهد به قم رفتم، خدمت آیت الله اراکی تا قصه تشرف دختر ایشان را به محضر امام زمان جویا شوم. ایشان فرمودند: آری دختر من که می‌خواست به مکه برود به او گفتم

هرچه می‌توانی بگو: «یا حفیظ» تا خداوند تو را حفظ کند و بگو: «یا علیم» تا خداوند مناسک حج را درست به تو بیاموزد. وقتی دخترم می‌خواهد طواف کند ازدحام جمعیت مانع می‌شود، ناگاه صدایی به گوش ایشان می‌رسد که پشت سر مهدی فاطمه طواف کن و دختر حرکت می‌کند و طواف را به راحتی انجام می‌دهد. بعد مرحوم آیت‌الله اراکی به بنده فرمودند میرزا جواد آقا تهرانی در حال نماز خلع روح داشتند و روح خود را از بدن جدا می‌کردند.

## ۱۶. لزوم توسل به ائمه هدی علیهم السلام

### توسل به حضرت مهدی علیه السلام

ما نباید یک لحظه در زندگی از امام زمان مان غافل باشیم، در این جهت، هم بنده مقصر هستم، هم شما. در زمان غیبت باید متوسل به آن حضرت شد، متأسفانه این زندگی ماشینی حالی برای افراد نگذاشته است. شخصی به من می‌گفت حاجتی داشتم، برای برآورده شدن حاجت ۷۰ بار به حرم حضرت رضا علیه السلام رفتم و آنقدر نماز جعفر طیار خواندم تا حاجتم برآورده شد.

در زمان جنگ تحمیلی یکی از آزادگان به مرحوم میرزا جواد آقا علیه السلام نامه‌ای نوشت که دستورالعملی به ما بدهید تا در زندان بعضی‌ها عمل کنیم. ایشان فرموده بود: ۷۰ بار بگو «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» که بعداً این جمله را در نوشته میرزا هاشم آشتیانی در ابواب الجنات دیدم، ۱۰ بار بگو: «اعتصمت بالله» و بعد بگو: «اللَّهُمَّ اني أتوجه اليك بنبيك نبي الرَّحْمَةِ» و بعد از آن هر روز به یاد حضرت باش و توسل بجوی.

### توسل به امام جواد علیه السلام

آقای واله می‌فرمود: شیخ عباسعلی که از وعاظ بود در منبر کرامتی را از جناب آقای فاخر نقل کردند: آیت‌الله مروارید به من

گفتند برو تحقیق کن. بنده در جستجوی ایشان بودم تا روزی آقای فاخر را در منزل آیت‌الله علمی در کاشمر دیدم، ایشان گفت مرا به سربازی بردند، از حوزه نظام وظیفه فرار کردم تا این که بعد از مدتی مرا شناختند و دستگیر کردند. در پادگان هرچه فکر کردم چگونه نجات پیدا کنم چیزی به فکرم نرسید تا اینکه دعای توسل را شروع کردم تا رسیدم به امام جواد علیه السلام، گفتم یا بن رسول الله مگر شما نبودید که اباضلت را از زندان نجات دادید، مرا هم از سربازی نجات دهید. یک مرتبه امام جواد علیه السلام را مشاهده کردم، دست مرا گرفتند و از سربازخانه بیرون آوردند. بعد از مدتی یکی از مأمورین نظام وظیفه مرا در مغازه‌ای دید، گفت باز برای بار دوم از سربازخانه فرار کردی؟ گفتم خیر، مرا امام جواد علیه السلام نجات داد.

او قبول نکرد تا اینکه با هم رفتیم و به مسئولین آنجا گفتم شما که این دفعه مراقب من بودید و راهی برای فرار وجود نداشت، چگونه من فرار کردم؟ حقیقتش آن است که من دعای توسل خواندم و امام جواد علیه السلام مرا نجات دادند. بحمدالله پذیرفتند و از سربازی نجات پیدا کردم.

### توسل به امام رضا علیه السلام:

متأسفانه زمینه گناه فراوان است، بهترین راه برای ترک گناه توسل به حضرت رضا علیه السلام است، از آن حضرت بخواهیم تا ما را کمک کند مرتکب گناه نشویم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیمه شب عرضه



می داشت: «لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابدأ». خداوند یک لحظه حضرت یونس را به حال خودش واگذاشت، چه مشکلاتی برای آن حضرت پیش آمد و اگر تسبیح نمی گفت، تا دامنه قیامت در شکم ماهی گرفتار بود.

چند چیز است که انسان را از گناه حفظ می کند؛ ۱. خواندن سوره قدر ۲. خواندن دعای «یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا کریم الصّبح یا عظیم المّن» ۳. نماز اول وقت (انّ الصّلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر). ۴. پناه بردن به حضرت رضا علیه السلام. والله ما مشهدی ها ضرر می کنیم که به حرم مشرف نمی شویم. از راه های دور می آیند و حاجت روا برمی گردند و ما محروم هستیم.

### نامگذاری فرزند از جانب حضرت رضا علیه السلام؛

شخصی آمد خدمت حضرت علیه السلام گفت: دعا بفرمایید دو کنیز من پسر بزنند. چون این تقاضا درست نیست، حضرت فرمودند: چه تفاوتی دارد پسر با دختر؟ اصل آن است که فرزند صالح باشند. این سخن یک درس زندگی برای من و شماست، بعد فرمودند: یکی پسر می زاید، او را محمد نام بگذار، دیگری دختر می زاید، او را فاطمه نام بگذار. این هم درس دیگری است از امام رضا علیه السلام برای من و شما که نام خوب را انتخاب کنیم.

## ۱۷. رعایت ادب

سید بن طاووس رحمته الله علیه به پسرش می گوید: سید محمد چند مرتبه استخاره کردم اسم اعظم را به تو بیاموزم، استخاره خوب نیامد. بعد گوید همیشه به یاد امام زمان باش و در روز دوشنبه و پنجشنبه بگو: «یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضّرّ و جتنا بیضاعة مزجاة...» و باز بگو: «یا مولانا استغفرلنا انا کنا خاطین».

### ادب نسبت به حضرت رضا علیه السلام

یکی از دوستان روحانی من<sup>۱</sup> مدتی درد پا داشت، یک مقدار از غبار ضریح مطهر به همراهم بود، به ایشان دادم تا تبرک بجوید، بعد از مدتی ایشان را دیدم، گفتم درد پای شما خوب شد؟ گفت خیر. به ایشان گفتم مگر شما آن غبار ضریح مطهر را روی پای خود نگذاشتید؟ گفت نه. عرض کردم چرا؟ فرمودند حقیقت آن است که از امام رضا علیه السلام خجالت کشیدم این کار را انجام دهم، اگر چشمم درد می کرد این غبار را روی چشمم می گذاشتم. (صد هزار آفرین بر این ادب).

۱. مؤلف آن روحانی را می شناسد و جریان را از خود ایشان نیز شنیده ام.

بنده اگر در فهمم اشتباه نکنم زائری از امام رضا علیه السلام یک شب تا به صبح ۳۰ جزء قرآن را برای امام رضا علیه السلام خواند، حضرت نیز یک ختم برای او قرآن خواندند.

گاهی به برخی افراد گفته می‌شود چرا به حرم نمی‌روید؟ می‌گویند برای اینکه جا برای زوار امام رضا علیه السلام خالی باشد. معلوم می‌شود خیلی دلش سوخته است، خوب اگر دل شما برای زوار امام می‌سوزد، چرا جای دیگر مراعات حال زوار امام رضا علیه السلام را نمی‌کنید؟ بدترین جنس را به گرانترین قیمت به زائرین امام می‌فروشید!

### کرامت حضرت رضا علیه السلام؟

شیخ هاشم قزوینی در درس می‌فرمودند: زنی به حرم حضرت رضا علیه السلام آمد و گفت ۱۲ تومان قرض دارم، به من کمک کنید. حضرت به او فرمودند: برو هفته دیگر بیا. هفته بعد که آمد، یک‌مرتبه قندیل باز شد و در کنار دامن خانم قرار گرفت. برای خادمان حضرت مشخص نشد این کار معجزه بوده یا نه. این زن آمد کنار قبر حضرت و متوسل شد. حضرت به او فرمودند: به خادمان من بگو این قندیل با ۱۸ گره ابریشم بسته شده، اگر این ۱۸ گره باز شده نشانه آن است که حضرت رضا علیه السلام قندیل را به من

عنایت کردند و آلا مربوط به حرم است. آمدند نگاه کردند دیدند ۱۸ گره باز شده، قندیل را به او دادند، این زن گفت من به اندازه ۱۲ تومان بیشتر نیاز ندارم، به همان مبلغ خادمان حضرت به او دادند.

حواریین از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند چگونه شما از آب دریا عبور می کنید و ما نمی توانیم؟ حضرت فرمود: پول نزد شما چگونه است؟ گفتند بسیار عالی. فرمود پول نزد من با کلوخ یکسان است.

قالَ الْخَوَارِيُونَ لِعِيسَى عليه السلام مَا لَكَ تَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَ نَحْنُ لَا نَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ لَهُمْ مَا مَنْزِلَةُ الدِّينَارِ وَالذَّرْهَمِ عِنْدَكُمْ؟ قَالُوا حَسَنٌ قَالَ عليه السلام لَكُنْهَا عِنْدِي وَ الْمَدْرَ سَوَاءٌ<sup>۱</sup>.

### پاسخ حضرت رضا علیه السلام به حاجی اشرفی؛

در بابل یک عالمی بود به نام حجّت الاسلام حاجی اشرفی که اهل دعا و مناجات بوده و بسیار جسم ایشان ضعیف و لاغر بوده است. شخصی به نام حاج میرزا حسن طیب گوید نزد ایشان رفتم و گفتم می خواهم به مشهد مقدس بروم. ایشان فرمودند هر وقت خواستی بروی نزد ما بیا تا نامه ای را برای امام رضا علیه السلام ببری و جوابش را بگیری و به همراه خود بیاوری! ایشان گوید من از سخن حاجی اشرفی تعجب کردم، بالاخره رفتم نامه را گرفتم و مدتی در

مشهد ماندم.

شب آخر یک مرتبه دیدم خدام حضرت به زوار می گویند: فی امان الله فی امان الله. همه زائران از حرم بیرون رفتند، یک مرتبه حضرت رضا علیه السلام از ضریح بیرون آمدند، فرمودند: سلام مرا به حاجی اشرفی برسان و به ایشان بگو:

آئینه شو جمال پیری طلعتان طلب

جاروب زن خانه را و آنکه میهمان طلب

یک مرتبه باز دیدم زائران مشغول دعا و زیارت هستند. متوجه شدم مکاشفه ای صورت گرفته است، وقتی به بابل آمدم رفتم نزد حاجی اشرف، تا خواستم وارد منزل شوم از داخل خانه حاجی اشرف فرمود: میرزا حسن طیب آمدی؟ همان شعری که حضرت خوانده بود برای من خواند.

آئینه شو جمال پیری طلعتان طلب

جاروب زن خانه را سپس میهمان طلب

## ۱۸. احترام به مقدسات

یکی از علما درب خانه خود را به روی مردم بسته بود به جهت اینکه گفته بود من سه شب پشت سر هم خواب دیدم به امام معصوم لگد می‌زنم، خیال کردم شاید فتوای عوضی داده‌ام. شخصی به منزل او می‌آید و می‌گوید اجازه بده من لحاف شما را بشکافم، بعد از اینکه لحاف را می‌شکافت می‌بیند انگشتی که نام امام معصوم بر آن نقش بسته بوده در لحاف وجود داشته. آن شخص به آن عالم گفته بود اهانت شما در خواب به امام معصوم به همین جهت بوده که انگشتی نام معصوم در آن بوده و شما روی آن می‌خوابیدید و توجه نداشتید.

سوال؛ حال اگر روزنامه یا مجله که نام خداوند و معصومین در آن هست زیر دست و پا قرار گیرد، آیا عقوبت ندارد؟

امام جمعه سابق مشهد مرحوم شیخ غلامحسین تبریزی نامه‌ای نوشتند به آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله‌علیه که این قضیه شفا یافتن چشم شما به واسطه و برکت گل سینه‌زن امام حسین علیه‌السلام درست است؟ پاسخ نامه آمد، آری درست است، چشم من ضعیف بود، در ایام محرم یک مقدار گل از روی بدن یک سینه‌زن برداشتم، روی چشم خود گذاشتم، هم اکنون در سن پیری احتیاج به عینک ندارم.

### اثر بی‌احترامی به سادات؛

احمد بن اسحاق اشعری گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، آن حضرت فرزندشان حضرت مهدی را که سه سال سن داشت به من نشان دادند. حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: آمدی مرا بشناسی؟ «أنا بقية الله». در یک زمان دیگر همین احمد بن اسحاق وقتی خدمت امام علیه السلام عسکری می‌خواهد برسد، امام به او اجازه ورود نمی‌دهند و می‌فرمایند: به جهت اینکه به سادات بی‌احترامی کرده‌ای حق ورود به منزل مرا نداری.

علامه حلی به پسر خود فخرالمحققین می‌گوید: پسر! به سادات احترام بگذار، بعد این حدیث را برای او خواندند «أربعة أنا لهم شفيعٌ و لو جاؤا بذنوبِ أهل الدنيا... المكرم لذرتي و القاضي لهم حوائجهم».

بنده در کاشمر با یک سید هم حجره بودم، روزی یکی از شاگردان آیت‌الله بروجردی مهمان ما شد و نماز صبح او قضا شد، بعد آن شخص به من گفت در خواب به من گفتند علت اینکه نماز صبح تو قضا شد آنست که در حجره وقتی خوابیدی پای تو به طرف آن سید بود و بی‌احترامی کردی.

### شعور و فهم حیوانات

امام صادق علیه السلام در توحید مفضل قسمتی از خلقت شگفت‌انگیز و فهم حیوانات را بیان می‌کند از جمله مرغی است به نام ابن تمره وقتی که آشیانه درست می‌کند، یک دفعه می‌بیند ماری به سراغ جوجه‌هایش می‌آید، این حیوان می‌رود و یک خار پیدا می‌کند و می‌اندازد در دهن مار. به این وسیله مار را می‌کشد، خداوند متعال چه فهمی به حیوانات داده که دشمن خود را می‌شناسند. حیوان دیگر گوزن است، گاهی این گوزن مار را می‌خورد، در همین لحظه تشنگی بر او غالب می‌شود، می‌آید کنار نهر آب ناله می‌کند و داد و بیداد راه می‌اندازد، اما آب نمی‌خورد چون می‌فهمد اگر آب بخورد می‌میرد. بعد امام می‌فرماید: فهم برخی از انسان‌ها از این حیوانات کمتر است، زیرا این حیوان جلوی شکمش را می‌گیرد، اما انسان با اینکه می‌داند فلان غذا یا میوه برایش ضرر دارد، می‌خورد. روباه هرگاه گرسنه می‌شود شکم خود را باد می‌کند، حیوانات خیال می‌کنند او مرده است، وقتی به سراغ او می‌آیند یک مرتبه آنها را صید می‌کند. این حيله بازی برای روباه جایز است چون به این وسیله رزق خود را می‌خورد. اما این حيله‌بازی‌ها برای انسان حرام است.



پیامبر اکرم ﷺ آلاعی داشت به نام یعفور که والی اسکندریه به ایشان تقدیم کرده بود، حضرت هرگاه کار شخصی داشتند این حیوان را به سراغ افراد می‌فرستادند. جالب اینکه این حیوان می‌رفت و سر خود را به در منزل فرد می‌کوبید. صاحب خانه متوجه می‌شد که پیامبر با او کار دارد. بعد از رحلت پیامبر این حیوان خودکشی کرد.

گنجشکی آمد خدمت حضرت سلیمان و گفت زن من ناشزه شده است، حضرت هردو را احضار کرده فرمودند چرا از شوهرت اطاعت نمی‌کنی؟ گفت: شوهرم مرا فریب داده، به من می‌گوید تو را دوست دارم لکن رفته برای من هوو آورده است و شوهر من دل به غیر من بسته است. در ادامه حدیث آمده است که حضرت سلیمان چند روزی گریه کرد.

ای دل صد دله ، دل یکدله کن

مهر دگران را ز دل خود یله کن

## ۱۹. دفاع از اصل انقلاب و امام امت علیه السلام

مرحوم آقای واله ارادت ویژه‌ای به انقلاب اسلامی داشتند و از امام امت و شهیدان نظام جمهوری اسلامی به عظمت یاد می‌کردند؛

۱. گاهی می‌فرمودند شهدا حق حیات به گردن ما دارند. مگر یادتان رفته است هرزگی‌های در کشور را که با بودجه آستان قدس عرق از ایتالیا به ایران می‌آوردند؟!

۲. شخصی می‌گفت آمریکایی‌ها وقتی به حرم می‌رفتند گاهی سگ خود را به همراه می‌بردند. به یکی از خادم‌ها گفتم چرا اجازه می‌دهید حیوان نجس‌العین به حرم وارد شود؟ گفت مگر به آمریکایی‌ها می‌شود امر و نهی کرد؟

۳. مؤلف: در یکی از سخنرانی‌ها جناب آقای واله فرمودند: اگر صد مجتهد قبل از انقلاب جمع می‌شدند و می‌خواستند یک مغازه عرق فروشی را ببندند، نمی‌توانستند (به‌جهت اینکه حکومت طاغوت از آن عرق فروش حمایت می‌کرد) اما بعد از انقلاب به برکت تشکیل حکومت اسلامی امام امت، هیچ شخصی جرأت چنین کاری را به خود نمی‌دهد که آشکارا این عمل زشت را انجام دهد.

امام امت چه قوم و خویشی با خداوند داشت که این اندازه

محبوب مردم شد. خاصیت آن زهد و تقوا این محبوبیت است، ما نیز اگر عامل به وظیفه باشیم محبوب خلق و خالق می‌شویم. ارتحال امام امت چه موجی را در دنیا ایجاد کرد؟

رسانه‌ها را ببینید که در ارتحال امام چگونه اظهار نظر کردند. صحیفه نور در چندین جلد که سخنان امام امت است چاپ شده، این کتاب‌ها را بگیرید و بخوانید. میرزا جواد آقای تهرانی رحمته الله علیه می‌فرمودند: باید نظام جمهوری اسلامی را در برابر کفر حفظ کرد و کسی حق ندارد جوری حرف بزند که نظام اسلامی در برابر دشمنان تضعیف شود.

#### ۴. اجازه راهپیمایی به فرزندان؛

شخصی در شهر کاشمر بود به نام حاجی برات که در آستانه انقلاب فرزندان خود را از شرکت در راهپیمایی منع می‌کرد. یک روز بچه‌ها ناراحت شدند و به حالت گرسنگی به خواب رفتند، حاج برات می‌گوید وقتی خوابیدم، امام حسین علیه السلام را خواب دیدم که امام امت رحمته الله علیه پشت سر آن حضرت حرکت می‌کرد، امام حسین علیه السلام به من گفتند: چرا اجازه نمی‌دهی فرزندان به راهپیمایی بروند؟ گفتم چشم، از این به بعد اجازه می‌دهم. بعد گفتم یابن رسول الله! چرا شما توبه حَرَبین یزید ریاحی را پذیرفتید؟ اما امام امت توبه شاه را نمی‌پذیرد؟ امام حسین علیه السلام فرمودند: حَرَبین یزید

راست می‌گفت و واقعاً توبه کرد، اما شاه دروغ می‌گوید.

### ۵. افتخار به شهادت؛

در شجره طوبی آمده است که وقتی ابوقدame عازم جنگ بود، زنی به او نامه داد. نامه را باز کرد، دید نوشته است که من نمی‌توانم به جبهه بیایم، در همان حال ابوقدame پسری را دید عازم جبهه است. ابوقدame به آن پسر بچه گفت: جهاد بر تو واجب نیست. این پسر بچه آیاتی از قرآن را تلاوت کرد تا اینکه ابوقدame منقلب شد و اجازه داد تا در جنگ شرکت کند. پسر بچه گفت من تیر ندارم، سه تا تیر به من قرض بده. ابوقدame گفت به شرط اینکه اگر شهید شدی از من شفاعت کنی. بعد از اینکه این پسر بچه جنگید یک مرتبه روی زمین افتاد، ابوقدame که فرمانده بود گفت پسر جان از قولی که به من دادی فراموش نکنی و اگر کاری داری بیان کن. پسر بچه گفت برو به منزل همان زنی که به تو نامه داد، او مادر من است، سلام مرا به او برسان. فرمانده وقتی آمد به خانه این زن دید مثل کوه مقاوم است، آن زن گفت: «آمعیاً ام مهناً» اگر پسر من شهید شده به من تبریک بگو و اگر شهید نشده به من تسلیت بگو.

## ۲۰. سعادت در توبه ترک گناه

از نظر قرآن، بهشت مربوط به کسانی است که از مقام پروردگار بترسند و جلوی غرائز نفسانی خود را بگیرند و وارد گناه نشوند؛  
 (وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ).<sup>۱</sup>

در روایات اخلاق بهشتی‌ها و جهنمی‌ها را بیان کرده‌اند. با اخلاق بد نمی‌توان به بهشت رفت مگر اینکه خود را عوض کنیم. دین ما دین صفا و محبت و وحدت است. اولیاء دین از ما انتظار دارند تا به سخنان آنها توجه کنیم و اخلاق اسلامی در زندگی داشته باشیم.

چرا در برخی از منازل در مسائل جزئی مردم دعوا می‌کنند؟ متأسفانه در برخی از منازل سر مسئله شکم همیشه دعوا و نزاع است و در برخی از موارد خانواده عروس و داماد مثل کارد و خیار هستند. گاهی انسان پنج سال است با برخی از اقوام خود قهر کرده است با اینکه بیش از سه روز نباید قهر و جدایی باشد.

گاهی انسان چند دقیقه به منزل پدر و مادرش می‌رود، همسر

اظهار ناراحتی می‌کند که چرا رفتی؟ خوب مگر بعد از ازدواج باید پدر و مادر را طلاق داد؟

انسان با بار کج به منزل نمی‌رسد. با خیانت، با حقه بازی، با بازارگرمی تعریف از جنس کردن به هنگام فروختن و مذمت کردن به هنگام خریدن، گرفتار ربا شدن و مانند آن هرگز انسان به بهشت راه نمی‌یابد جز آنکه توبه کند.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند بهترین صدقه چیست؟ فرمود: ترک گناه؛ «ان تهجر ما حرم الله». صدقه جلوی بلا را می‌گیرد؛ «الصدقة تدفع البلاء». خوب چه چیز باعث بلا و مصیبت می‌شود؟

از قرآن کریم و روایات استفاده می‌شود که گناه عامل بسیاری از بلاها و مصائب است. از جمله اموری که زمینه گناه را فراهم می‌کند معاشرت با ثروتمندان و اهل تشریفات و تجملات است. وقتی همسر انسان به منزل برخی از افراد تجمل پرست می‌رود و برمی‌گردد به شوهرش ایراد می‌گیرد که ای بی‌عرضه، این چه زندگی است که ما داریم؟ خانه ما مانند آخرت یزید است و خانه دیگران مثل باغ بهشت!

انسان بهشتی اهل ترحم و مهربانی است و کسی که بی‌رحم و بی‌عاطفه است به بهشت نمی‌رود، به این داستان توجه کنید؛

شخصی درخت خرمایی داشت، شاخه آن درخت در منزل یکی

از افراد فقیر و تهیدست قرار گرفته بود. آن مرد وقتی می‌رفت خرما را بچیند چند دانه به منزل همسایه می‌افتاد و بچه همسایه خرما را برمی‌داشت استفاده کند. این مرد بی‌رحم می‌رفت خرما را از دست بچه می‌گرفت و اگر داخل دهان او بود، آن را در می‌آورد. مرد فقیر به پیامبر شکایت کرد. پیامبر ﷺ صاحب درخت را احضار کرد و فرمود: بیا درخت خود را به من بده تا در بهشت به تو درختی بدهم، نپذیرفت تا اینکه ابوالدحداح به پیامبر عرضه داشت آن وعده‌ای که به او دادید به من بدهید تا بروم درخت را خریداری کنم و همین کار را انجام داد. در این هنگام این آیات نازل شد؛

(فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى \* وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى \* وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى \* وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى).<sup>۱</sup>

اگر انسان بخواهد اهل بهشت شود باید از گناهان خود توبه کند و استغفار نماید؛ «تَعَطَّرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحْكُمْ رَوَائِحُ الذَّنُوبِ».

در حدیث است که امام کاظم علیه السلام روزی پنج هزار مرتبه استغفار می‌کردند با اینکه معصوم هستند.

بنابراین برای بهشتی شدن باید یک مقدار انفاق کرد و به مستمندان رسیدگی کرد.

به‌جای اینکه خانه پنج طبقه بسازیم، ۴ طبقه بسازیم و پول یک

طبقه آن را فرش بخریم برای افرادی که در منزل خود فرش ندارند. ما اهل مشهد باید برای مردم دیگر اسوه و الگوی زندگی باشیم. گاهی یک زائر جنس می‌خرد به‌عنوان سوغات، بدترین جنس را به گران‌ترین قیمت می‌دهند، او هم نفرین می‌کند «الهی خانه‌ات آتش بگیرد».



## ۲۱. حیات در عالم برزخ

بر طبق آیات قرآن کریم و روایات، معاد جسمانی است و حدود ۱۴۰۰ آیه درباره مسائل مختلف معاد در قرآن مطرح شده است. اما عالم برزخ مربوط به روح انسان است. در اینکه عالم برزخ چگونه است، از جزئیات آن بی‌خبر هستیم، اما اجمالاً روح انسان در عالم برزخ زنده است و مانند دنیا لذت و رنج را متوجه می‌شود.

روح حقیقتی ناشناخته و در میان علما بحث است که آیا مجرد است یا در قالب جسم لطیف. مرحوم میرزا جواد آقا می‌فرمودند: روح در عالم برزخ مجرد محض نیست.

استادی می‌گفت پدری از دنیا رفت و به پسرش گفت پسر! من در عذاب هستم، به جهت پانصد تومان که به فلانی بدهکارم. پسر اعتنا نکرد. دوباره پدر را در خواب دید، پدر گفت چرا بدهی مرا ندادی؟ پسر گفت به چه دلیل تو پدر من هستی و من از کجا بفهمم تو راست می‌گویی؟ پدر گفت دلیل بر صداقت گفتار من این است که روزی من بنایی می‌کردم، انگشترم در میان کاه و گل قرار گرفت و من تا زنده بودم نمی‌دانستم انگشترم کجاست، حالا که به عالم برزخ رفته‌ام فهمیدم که انگشترم کجاست. برو ببین اگر انگشتر

من در آن مکان بود، بدهی مرا پرداخت کن. در اینجا پسر به سخن پدر توجه کرد و نشانه بر صداقت گفتار پدر پیدا کرد، از این رو بدهی پدر که پانصد تومان بود را پرداخت نمود.

جناب آقای زین‌العابدین قربانی در کتابی به نام «به‌سوی جهان ابدی» این قضیه را بیان نموده‌اند؛

شخصی از یک فردی طلبکار بود. بعد از آنکه طلب خود را وصول کرد به جهت اینکه سودجو و دنیاطلب بود سند رسمی که در دفترخانه‌اش بود را خط نزد و باطل نکرد. لکن یک قبض رسید متعارف به او داد که بدهکاری تو پرداخت شده است. بعد از اینکه بدهکار از دنیا رفت، این طلبکار فرصت طلب دنیاپرست به ورثه مراجعه کرد و سند دفترخانه را به آنها نشان داد که پدر شما به من بدهکار است. در همان موقع همسر میت شوهرش را خواب می‌بیند. شوهر به همسرش می‌گوید من بدهی خودم را پرداخت کرده‌ام و نشانه‌اش آن است که قبض رسید متعارف به من داده است و در لای کتاب دعا گذاشتم و کتاب دعا در منزل فلانی است. بروید قبض را پیدا کنید و به او نشان بدهید تا مبادا بی‌جهت از شما پول بگیرد. همسر این خواب را برای فرزندانش بیان می‌کند و آنها می‌روند و قبض را پیدا می‌کنند و به او نشان می‌دهند که پدر ما بدهی خود را پرداخت کرده است و این کار باعث می‌شود که او نتواند دوباره از آنها پول بگیرد.

از جمله مسائلی که در قیامت وجود دارد، مسئله شفاعت است. مرحوم شیخ مجتبی قزوینی کتابی نوشتند به نام «رجعت، غیبت، شفاعت» و در آن به برخی از آیات برای شفاعت استناد کردند؛

از جمله آیه شریفه: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَغْفِرُوا لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)<sup>۱</sup> و حضرت یعقوب پذیرفت که برای آنها مغفرت کند؛ (سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي). خوب، بچه‌های یعقوب از نیمه ضرر برگشتند، ما هم باید از نیمه ضرر برگردیم و از گناه خود توبه کنیم.

علاوه اگر خداوند شفاعت یعقوب را بپذیرد، آیا خداوند شفاعت پیامبر ﷺ را درباره امت اسلامی نمی‌پذیرد؟

آیه دیگری که به آن استدلال کرده، آیه شریفه: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)<sup>۲</sup> است.

یک منافق با یک یهودی درباره یک ملکی نزاع داشت. منافق گفت برای حل نزاع نزد کعب بن اشرف برویم. اما یهودی گفت من پیامبر شما را به پیامبری قبول ندارم لکن او را امین می‌دانم و هرچه پیامبر شما بگوید می‌پذیرم.

حال اگر انسان در بازار مسلمین خیانت کند، در مغازه یا در

۱. یوسف ۹۷

۲. نساء ۶۴

اداره یا در جاهای دیگر اهل خیانت باشد، چگونه این شخص  
خائن انتظار دارد از امت پیامبر امین باشد؟!  
اگر انسان در مغازه خود چندین چراغ روشن کند تا جنس خود را  
بہتر از آنچه هست نشان دهد، آیا بہ مشتری خیانت نکرده است؟

## ٢٢. رزق حلال

و روى عن الصادق عليه السلام أنه قال لبعض تلامذته: أى شىء تعلمت منى قال له يا مولاي ثمان مسائل قال له عليه السلام قصها علىّ لأعرفها قال الأولى رأيت كل محبوب يفارق عند الموت حبيبه فصرفت همتى إلى ما لا يفارقتى بل يؤنسنى فى وحدتى و هو فعل الخير فقال أحسنت و الله

الثانية قال رأيت قوما يفخرون بالحسب و آخرين بالمال و الولد و إذا ذلك لا فخر و رأيت الفخر العظيم فى قوله تعالى (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ) أتقاكم فاجتهدت أن أكون عنده كريما قال أحسنت و الله

الثالثة قال رأيت لهو الناس و طربهم و سمعت قوله تعالى (وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ) فاجتهدت فى صرف الهوى عن نفسى حتى استقرت على طاعة الله تعالى قال أحسنت و الله

الرابعة قال رأيت كل من وجد شيئا يكرم عنده اجتهد فى حفظه و سمعت قوله سبحانه (مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ) فأحببت المضاعفة و لم أر أحفظ مما يكون عنده فكلما وجدت شيئا يكرم عندى وجهت به إليه ليكون لى ذخرا إلى وقت حاجتى إليه قال أحسنت و الله الخامسة قال رأيت حسد الناس بعضهم لبعض فى الرزق و سمعت قوله تعالى (نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا

بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سَخْرِيًّا وَرَحِمَتُ رِيكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ) فما حسدت أحداً ولا أسفت على ما فاتني قال أحسنت والله السادسة قال رأيت عداوة بعضهم لبعض في دار الدنيا والحزازات التي في صدورهم وسمعت قول الله تعالى (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا) فاشتغلت بعداوة الشيطان عن عداوة غيره قال أحسنت والله

السابعة قال رأيت كدح الناس واجتهادهم في طلب الرزق وسمعت قوله تعالى (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ) فعلمت أن وعده و قوله صدق فسكنت إلى وعده ورضيت بقوله و اشتغلت بما له على عمالي عنده قال أحسنت والله

الثامنة قال رأيت قوما يتكلمون على صحة أبدانهم و قوما على كثرة أموالهم و قوما على خلق مثلهم وسمعت قوله تعالى (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) فاتكلت على الله و زال اتكالي على غيره

فقال له و الله إن التوراة و الإنجيل و الزبور و الفرقان و سائر الكتب ترجع إلى هذه الثمان المسائل<sup>١</sup>.

خداوند متعال دلسوزتر از امامان معصوم برای هدایت مردم

نیافریده است. از این رو امام صادق علیه السلام به زید شحام فرمود: به خدا سوگند رحم و مهربانی ما نسبت به شما از خود شما بیشتر است؛ «والله لانا أرحم بكم من أنفسكم».

آنچه عامل سعادت انسان است ائمه معصومین علیهم السلام بیان کرده‌اند، از جمله این حدیث که رزق مردم تقسیم شده است و رزق بیشتر در صورتی نصیب انسان می‌شود که مابین طلوع فجر و طلوع شمس بیدار باشد؛ «الأرزاق مقسومة و لله فضلها من طلوع الفجر الى طلوع الشمس».

کسی به شما نمی‌گوید نباید کار کرد و به دنبال تأمین زندگی حرکت نکرد، عرض ما این است که با تمام وجودتان نباید به دنبال جمع ثروت بود؛ «ان الله وسع فی ارزاق الحمقاء ليعتبر به العقلاء».

در کاشمر ما شخصی بود بسیار ساده و بی‌سواد. اسب را با عین و صاد (عصب) می‌نوشت، اما به اندازه‌ای ثروت داشت که نمی‌توانست محاسبه کند. خوب اگر داشتن ثروت به زرنگی باشد که این انسان‌های خرفت و خل نباید دارای این همه پول و ثروت باشند.

اگر بخواهید رزق حلال نصیب شما شود یک مقداری باید با تلاوت قرآن و دعا و نماز انس بیشتری داشت. برنامه‌های رادیو و تلویزیون هرچند آموزنده باشند، هرگز جای دعای ندبه و کمیل و تلاوت قرآن را پر نمی‌کند.

در حدیث است؛ «الرِّزْقُ اشدُّ طلباً للعبد من أجله».  
و نیز در حدیث است؛ «لوفر من الرِّزْقِ كما فرّ من الموت لأدرکه  
الرِّزْقُ كما أدرکه الموت».

به اندازه عمر دنیا باید برای دنیا کار کرد و به اندازه عمر آخرت  
باید برای آخرت کار کرد. اسلام نمی‌گوید نباید تلاش کرد زیرا  
زندگی بشر بر اساس سعی و تلاش مادی است. همه انبیا کار  
می‌کردند. حضرت ادریس خیاط بود و حضرت نوح نجار، حضرت  
داود زره‌ساز و حضرت موسی و سایر پیامبران چوپان بودند. امام  
می‌فرماید: «ملعون ملعون من ألقى كذّه على الناس».

نباید برای فروختن جنس چند چراغ روشن کرد و جنس پست  
و بی‌ارزش را به‌عنوان جنس خوب فروخت که متأسفانه برخی از  
مغازه‌ها این چنین عمل می‌کنند. به همان اندازه‌ای که از حرام  
به‌دست می‌آید، از رزق حلال کسر می‌شود. حضرت علی علیه السلام اسب  
خود را به شخصی سپردند و به مسجد رفتند. آن شخص دهنه  
اسب را برداشت و فرار کرد، وارد بازار شد و به دو درهم فروخت.  
حضرت به یکی از یاران خود فرمودند: برو دهنه اسب را خریداری  
کن. همان دهنه اسب را خریدند. بعد حضرت فرمودند: من  
می‌خواستم دو درهم به او هدیه بدهم، اما رزق خود را به حرام  
تبدیل کرد.



هر کدام از مستمعان عزیز که اگر پای منبر بنده بنشینند اداره آنها دیر می‌شود و باید زودتر به کار خود برسند، می‌توانند مجلس را ترک کنند و پای منبر نشینند.

متأسفانه در شرکت در مجالس قصد ما خالص نیست. برخی برای صبحانه حساب باز می‌کنند، برخی به جهت آش جو می‌روند یا برای خوردن «شله» حضور پیدا می‌کنند، برخی به جهت خود صبحانه به منزل او روزه می‌روند.

بنده منزل آقای رحیم پیوندی منبری رفتم، چند روز اول ایشان در مجلس خود نبود و به کربلا رفته بود، بعد که برگشت دیدم مستمع‌ها بیشتر شد. در آن روز گفتم آقایان این چند روز چرا به مجلس روزه نیامدید؟ مگر صاحبخانه از امام حسین علیه السلام احترامش بیشتر است؟!

## ۲۳. اميد به خداوند در زندگي

اميرالمؤمنين عليه السلام همه انسان‌ها را به پنج خصلت سفارش کردند؛

۱. اميد به هيچ شخصي نداشته باشيد جز خداوند متعال. ۲.

ترس نداشته باشيد مگر از گناه خود. ۳. از آموزش علم خجالت

نکشيد. ۴. هرگاه از شما سؤالي شود و نمي‌دانستيد، خجالت نکشيد

و بگوييد نمي‌دانم. ۵. بدانيد که صبر از ايمان است، همانند سر

نسبت به بدن.

قال علي عليه السلام: «...لا يرجون أحدكم إلا ربّه و لا يخافن إلا ذنبه و لا

يستحي أن يتعلم ما لم يعلم و لا يستحي إذا سئل عما لا يعلم أن يقول لا

أعلم و اعلما أن الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد»<sup>۱</sup>.

هر مسلماني به اين پنج سخن اميرالمؤمنين احتياج دارد؛ جمله

اول اساس توحيد است، يعني به جز خداوند يك ذره اميد به احدي

نداشته باشيد، خداوندي که بي‌نهايت دانا و بي‌نهايت توانا و

سرچشمه همه خيرات است.

ديگران در نظام هستي هيچ‌كاره‌اند. اولياء خدا به غير خدا

بي‌توجه بودند و تنها توکل‌شان بر خداوند بود، مانند حضرت

يعقوب، وقتی فرزند خود را همراه برادرانش فرستاد، فرمود: (إِنَّ  
الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ)¹

چنانکه مادر موسی وقتی فرزندش را در صندوق گذاشت و در  
دریا انداخت به خدا توکل کرد. اگر اعتماد به خداوند نداشت که  
حاضر نبود فرزندش را از خود جدا کند.  
خدا کشتی آنجا که خواهد برَد

وگر ناخدا جامه بر تن درد

اگر تیغ عالم بجنبد ز جای

نبرد رگی تا نخواهد خدای

اگر توکل در بین ما بود، این همه مشکلات در جامعه نبود.

اگر به خداوند امید داشته باشیم، کمک کردن به مردم و انفاق  
کردن برای ما آسان می‌شود. خداوند جای انفاق را پر می‌کند.  
در حدیث است: «مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْاِخْتِيَارِ اخْتِيَاراً صَرَفَ اللهُ مَالَهُ اِلَى  
الاشْرَارِ اضْطِرَّاراً».

شخصی از مکه آمد. چندتا گوسفند جلوی پای او کشتند. در  
همان هنگام یک زن مستمندی مراجعه کرد و تقاضا کرد یک مقدار  
گوشت به او بدهند. حاج آقا که از مکه تشریف آورده بودند  
پذیرفتند و گفتند یکی دو روز دیگر مهمان داریم و این گوشت‌ها

برای مهمان‌هاست. بالاخره آن زن فقیر را محروم کردند و گوشت‌ها را در فریزر قرار دادند، بعد از یکی‌دو روز که مراجعه کردند، تا در فریزر را باز کردند متوجه شدند گوشت‌ها بو گرفته و قابل استفاده نیست. این جریمه همان جرم محروم ساختن زن مستمند است.

در مسجد الحمید نشسته بودم، شخصی آمد، یک مهر تربت امام حسین علیه السلام به من داد. من فوراً جانمازم را باز کردم و مهر تربت را پنهان کردم تا دوستان از من تقاضا نکنند. به والله العلی العظیم نفهمیدم این مهر به زمین فرو رفت یا به آسمان بالا رفت؟! چند دفعه برای من تکرار شده که برخی از افراد کتابی را از بنده درخواست کردند، ندادم، همان کتاب گم شد.

## ۲۴. یاد قیامت

معجزات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده، از جمله آنها زنده کردن مرده است که در کتاب مدینه المعاجز مرحوم سید هاشم بحرانی پنجاه نمونه آن بیان شده، از جمله زنده شدن همسر آن مرد بلخی است که هر سال به زیارت امام سجاد علیه السلام می آمد و یک هدیه می آورد. یک سال همسرش به او گفت چرا امام چیزی به عنوان هدیه به ما نمی دهد؟ سال بعد که آمد، آن حضرت بعد از غذا خوردن، آفتابه لگن حاضر ساختند و دست مبارک را شستند و بعد از آن آبها تبدیل به طلا و جواهرات شد. فرمودند: اینها را برای همسر خود ببر که دیگر از ما شکایت نکند. وقتی هدیه امام را برای همسرش آورد، همسر تقاضا کرد سال بعد به دیدار امام بیاید، اما در بین راه مریض شد و بالاخره از دنیا رفت. آن مرد بلخی خدمت امام رسید و گفت همسرم از دار دنیا رفت. آن حضرت به عزرائیل دستور داد تا ۳۰ سال به عمر آن زن اضافه شود.

همین طوری که امام به اذن خداوند در دنیا مرده زنده می کند، خداوند در قیامت مرده ها را زنده می کند؛ (وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ \* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ

هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ<sup>۱</sup>.

در زمان ما عقیده‌ها سست شده و ایمان‌ها ضعیف گردیده است. پیامبر اکرم ﷺ وقتی سوره قارعه را تلاوت کردند، شخصی به‌خاطر طهارت قلبی که داشت از خداوند تقاضا کرد اگر می‌خواهی مرا عقوبت کنی در همین دنیا عقوبت کن. این شخص مریض شد. پیامبر به عیادت او رفتند، حال او را جویا شدند. او گفت مریضی من به این جهت است که وقتی شما سوره قارعه را تلاوت کردید، من از خداوند درخواست کردم اگر می‌خواهی در قیامت به‌جهت گناهان مرا عقوبت کنی، در همین دنیا مرا عقوبت کن، از این‌رو مریض شدم. پیامبر فرمود: چرا از خداوند تقاضای عافیت نکردی و نگفتی (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)<sup>۲</sup>.  
الآن هم بنده سوره قارعه را تلاوت کردم، غش نکردم و از منبر نیفتادم. شما هم که شنیدید، چه عرض کنم....

شخصی آمد خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشت من تقاضای مرگ کردم. فرمود: مرگ که چاره ندارد. وقتی از دار دنیا می‌روی باید ۱۰ تا هدیه ببری برای مالک جهنم، برای نکیر و منکر، برای رضوان، برای صراط، برای میزان، برای پیامبر. برای مالک جهنم این

۱. یس ۷۸-۷۹

۲. بقره ۲۰۱

هدیه را باید ببری «اربعة اشياء البكاء من خشية الله و صدقة السرّ و ترك المعاصی و برّ الوالدین».

یکی از هدایا برای مالک جهنم گریه از خوف خدا است، همان کاری که من و شما انجام نمی‌دهیم. بنده افرادی را می‌شناسم که حاضرند رفیق خود را سر سفره بیاورند و به او غذا بدهند و با او به گفتگو بپردازند، اما با پدر و مادر خود مجالست نکنند.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد فرزندم به من خدمت می‌کند. حضرت فرمود: من او را دوست می‌داشتم اما هم‌اکنون علاقه‌ام به فرزند تو زیاد شد «وقد ازددت حباً».

شخصی به مسجد سهله رفت تا ۴۰ شب، در شب آخر حضرت مهدی علیه السلام را دیدار کرد. حضرت فرمودند: «اوصیک بالعود اوصیک بالعود اوصیک بالعود» یعنی برو به پدر پیر خود رسیدگی کن.

امام سجاد علیه السلام در شب ۲۷ رمضان از سر شب تا به صبح این جملات را می‌گفتند: «اللهم ارزقنی التّجافی عن دار الغرور و الانابة الی دار الخلود و الاستعداد للموت».

از جمله روایات معراجیه این روایت است که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب کرد: «یا احمد النّفس کالتّعامه» یعنی ای پیامبر! نفس بشر مانند شتر مرغ است، حاضر نیست زیر بار رود و اطاعت کند. برخی از انسان‌ها یک ساعت لطیفه می‌گویند و می‌خندند یا فیلم

مبتذل نگاه می‌کنند، اما حاضر نیستند ۲ دقیقه نماز صبح را در اول وقت بخوانند.

چون شتر مرغی شناس این نفس را  
نی کشد بار و نه پرَد بر هوا  
گر پیر گویی‌ش، گوید اشترم  
ور نهی بارش بگوید طائرم

امیرالمؤمنین علیه السلام از قبرستانی عبور می‌کردند، خطاب به اهل قبور فرمودند: «يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْعُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَا الدُّورُ فَقَدْ سَكِنَتْ وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكِحَتْ وَ أَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ التَّقَتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَدِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبِرُوكُمْ (أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى)»<sup>۱</sup>.

مرحوم محدث قمی می‌نویسد: یک سال بود که حضرت علی علیه السلام می‌خواستند جگر تهیه کنند تا تناول فرمایند. بعد از یک سال به امام مجتبی فرمودند این کار را انجام دهد. بعد از اینکه جگر را فراهم کردند حضرت به هنگام افطار تا خواست افطار کند



مستمندی به ایشان مراجعه کرد. امام علیه السلام به فرزندش فرمودند این جگر را به او بده و بعد فرمودند: در قیامت به ما می گویند شما که لذت های خود را در دنیا بردید، از ما چه انتظاری دارید؟

«ان أمير المؤمنين اشتهى كبداً مشوية على خبزة لينة فاقام حولاً يشتهيها ثم ذكر للحسن و هو صائم يوماً من الايام فصنعها له فلما اراد ان يفطر قربها اليه فوقف سائل بالباب فقال له يا بنى احملها الي لا نقرأ فى صحيفتنا (أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا).<sup>۱</sup>»

با حذر باش که اندر این سیل فنا  
 نه گذر ماند و نه راهگذر خواهد ماند  
 این بساطی که تو با لعل و گهر اندودی  
 عن قریب است که یکجا به دگر خواهد ماند  
 عاقبت گر ز دو صد بالش پر پردازی  
 خشت بالین تو و بالش پر خواهد ماند

تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد  
 واندر پی ارزش نکو خواهی شد  
 گر چشمه زمزمی و گر آب حیات  
 آخر به دل خاک فرو خواهی شد

۱. احقاف ۲۰

۲. سفینه ج ۷ ص ۴۰۰

## ۲۵. دعا

در زمينه دعا احاديث مختلفی وارد شده و کتاب‌های متعددی نوشته شده، مانند: «اقبال» سيدبن طاووس، «عده الداعي» ابن فهد حلی، «زاد المعاد» مجلسی، «مفاتيح الجنان» شيخ عباس قمی. اگر کسی بداند دعا چه اندازه سرنوشت‌ساز در زندگی شخصی و اجتماعی است، با اشتیاق دعا می‌خواند.

ریشه همه بدبختی‌ها و مشکلات بشر به جهت گناه و معصیت است و دعا این خاصیت را دارد که بلا و مصائب را برطرف می‌کند.

در روایت است: «فادفعوا امواج البلاء بالدعاء» و نیز امام معصوم می‌فرماید: «الدعاء یرد القضاء و لو ابرم ابراماً».

ممکن است بگوئید مدتی است دعا می‌کنیم، اما مستجاب نمی‌شود. پاسخ اینکه اجابت دعا به این معنی نیست که ما فکر می‌کنیم. برخی از افراد که دعایشان مستجاب نمی‌شود به جهت آن است که خداوند ناله و صدای آنان را دوست دارد؛ «احب أن أسمع صوته» و خداوند می‌خواهد ارتباط بنده‌اش با او قطع نشود.

مرحوم میرزا جواد آقا فرمودند: اینکه حضرت یونس می‌گوید:

(سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)<sup>۱</sup> مگر ایشان چه ظلمی کردند که باید گرفتار شوند؟ پاسخ اینکه آن حالتی که ایشان در شکم ماهی دارد و «یا الله» می گوید، این حالت را سابقاً نداشته است. ما هم همین جور هستیم. وقتی که انسان در حال عادی باشد یک جور دعا می کند، وقتی مریض داشته باشد، پول هم برای مداوا کردن نداشته باشد، جور دیگری دعا می کند.

علاوه گاهی اجابت دعا به صورت تکفیر گناه یا دفع بلا یا ترفیع درجه در بهشت مستجاب می شود.

اضافه بر این وضع زندگی که ما داریم از جهت غذا خوردن، کسب و کار، سخنان و اندیشه های ما، رفتارهای غیر مناسب با افراد مختلف، چه توقعی در اجابت دعا داریم؟

در روایت است وقتی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک شود، خوبان دعا می کنند اما مستجاب نمی شود. حالا در همین زمینه چند نفر هستند که به همین وظیفه عمل کرده باشند، وقتی در زمان ما امر به معروف مرده است چه انتظاری در اجابت دعا دارید؟ به والله العلی العظیم بنده که در این جهت مقصر هستم و خوشا به حال شما اگر به وظیفه خود عمل کردید.

گاهی اجابت دعا با تأخیر صورت می گیرد. حضرت موسی علیه السلام و

هارون که دعا کردند، دعای آنها بعد از ۴۰ سال مستجاب شد (قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ)!. من و شما هرچه نزد خدا عزیز باشیم، از حضرت موسی عزیزتر نیستیم.

با این همه گناهایی که مردم انجام می‌دهند، چه توقعی در اجابت دعا دارند. این همه عذابی که بر اصحاب رس، اصحاب سبت، اصحاب فیل، قوم لوط، قوم صالح و اقوام دیگر نازل شد، جز به جهت گناه و معصیت بوده است؟ همین سرنوشت برای امت اسلامی نیز هست. البته به وسیله دعا این بلاها دفع می‌شود.

آیت‌الله سید احمد خوانساری فرموده بودند: با این همه گناه و فساد که در تهران هست باید عذاب نازل شود و لکن عزاداری امام حسین علیه السلام این شهر را از عذاب الهی نگه داشته است. از جمله آداب دعا حضور قلب است؛ «اذا دعت عیناک واقشعر جلدک فدونک دونک فقد قصد قصدک».

ادب دیگر دعا این است که حاجت‌ها را نام ببرید؛ «یثَّ اليه الحوائج». در روایت دیگری آمده: «سمَّ حاجتک»؛ حاجت خود را نام ببر.

## ۲۶. نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام

از ۱۱ جلد الغدیر یک جلد آن مربوط به حدیث غدیر است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

در کتاب غایه المرام نوشته مرحوم سید هاشم بحرانی روایاتی درباره فضایل اهل بیت از شیعه و اهل سنت نقل شده که روایات اهل سنت در این زمینه بیشتر است.

در روایت است چشمی که فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام را ببیند و گوشی که فضایل آن حضرت را بشنود، خداوند گناهان این چشم و گوش را می‌آمرزد.

در روایت است وقتی مجلسی برای ذکر فضایل اهل بیت تشکیل می‌شود، فرشتگان در آن مجلس شرکت می‌کنند، وقتی به طرف آسمان برمی‌گردند فرشتگان دیگر گویند شما کجا بودید که نورانیت تازه‌ای کسب کردید؟ گویند در مجالس اهل بیت. آنها گویند این مجلس کجاست تا ما هم شرکت کنیم؟ فرشتگان گویند این مجلس تمام شد. فرشتگان دیگر گویند ما را ببرید در آن نقطه از آن فضا کسب نور کنیم.<sup>۱</sup>

به حضرت آدم عليه السلام خطاب شد اگر حاجت داری به اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام متوسل شو؛ «فتوسل الی بهم یا آدم»<sup>۱</sup>. در روایت است حضرت عیسی عليه السلام که کلمه الله شد، به برکت اهل بیت عليهم السلام بوده است. حضرت ابراهیم افتخارش این است که شیعه امیرالمؤمنین عليه السلام است.

مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی می فرمودند از معارف دسته اول انبیاء معرفت به امیرالمؤمنین و خاندان اوست و اضافه می کردند که معرفت امامان فطری است، مانند خداشناسی که فطری است. از ایشان سؤال کردم آیا واقعاً این جور است؟ فرمودند به روایات عالم ذر مراجعه کن.

از حضرت باقر عليه السلام سؤال کردند معنای این آیه (وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ)<sup>۲</sup> چیست؟ این سؤال و جواب در کجا بوده است؟ حضرت فرمودند: در عالم معراج این قضیه رخ داده است که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله از انبیاء پرسید خط مشی شما در زندگی چه بوده است؟ گفتند: سه امر بوده است: ۱. توحید ۲. بیان رسالت شما ۳. امامت امیرالمؤمنین.

انتخاب امام عليه السلام فقط به عهده خداوند است. دیگران در تعیین آن

هیچ حقی ندارند؛ (و رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ) <sup>۱</sup>،  
 (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ) <sup>۲</sup>.

وقتی حضرت موسی علیه السلام افرادی را انتخاب کند و متخیین ایشان با مشکل مواجه شوند، تکلیف دیگران مشخص است.

امام امت علیه السلام در کتاب کشف الاسرار صفحه ۱۵۰ می نویسد از آغاز بعثت پیامبر علیه السلام تا لحظه رحلت آن حضرت توأم با نبوت پیامبر موضوع امامت امیرالمؤمنین علیه السلام مطرح بوده است.  
 «لکل شیء اساس و اساس الاسلام حبنا اهل البيت».

و نیز می فرماید: «ان فوق کل عبادۀ عبادۀ و حبنا اهل البيت افضل عبادۀ» <sup>۳</sup>.

روایتی را زمخشری در کشاف و فخر رازی در تفسیرش بیان کرده اند: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً»، «من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له»، «من مات علی حب آل محمد مات مستکمل الایمان» <sup>۴</sup>.  
 نکته قابل توجه اینکه محبت برخی از انسان ها غش دار است و از ما انتظار محبت خالص دارند.

۱ . قصص ۶۸

۲ . انعام ۱۲۴

۳ . بحار الانوار ج ۲۷ ص ۹۱

۴ . بحار الانوار ج ۲۷ ص ۱۱۱

وقتی زنی به قصاب مراجعه کرد و گوشت خرید، گوشت نامناسب به او داد. به امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد، حضرت به قصاب اعتراض کردند. آن قصاب به امیرالمؤمنین جسارت کرد تا متوجه شد اشتباه کرده، دست خود را قطع کرد و گفت دستی که به امیرالمؤمنین جسارت کند من آن دست را نمی‌خواهم، این‌هم یک نوع محبت است که درجه بالای معرفت و محبت را نشان می‌دهد.

غلام حضرت صادق علیه السلام آمد خدمت امام و گفت یک شخص خراسانی آمده، گوید سمت نوکری خود را به من بده و من متقابلاً تمام ثروت خود را به تو می‌دهم. آیا بپذیرم؟ حضرت فرمودند: مشکل ندارد و لکن در قیامت از ما انتظار نداشته باشی. خوب این شخص خراسانی چقدر محبت و معرفت دارد که حاضر است تمام ثروت خود را بدهد و خدمتگذاری را بپذیرد.

شخصی امام کاظم علیه السلام را به منزل خود دعوت کرد، امام روی یک کرسی نشستند. وقتی طرف بر امام وارد شد، دید امام می‌خندند. از حضرت پرسید چرا می‌خندید؟ حضرت فرمودند این دو کبوتری که در منزل تو است کبوتر نر به همسرش گوید خداوند عزیزتر از تو برای من خلق نکرده. (مگر شما ندیدید زن و شوهر جوان را که در اوایل ازدواج چگونه لاف می‌زنند و تعارفات



زیادی می‌کنند اما بعد از مدتی از هم جدا می‌شوند؟)  
 بعد کبوتر نر به همسرش گفت لکن بدان امام کاظم علیه السلام را از تو  
 بیشتر دوست دارم.

شخصی آمد خدمت امام صادق علیه السلام گفت شیعه شما هستیم.  
 حضرت فرمودند: ما امامان اگر پول خود را برای مردم خرج کنیم  
 لذت آن برای ما بیشتر است، شما هم این جور هستید؟ گفت خیر.  
 حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَنَا شِيعَةَ عَلِيٍّ مِنْ عَفَا بَطْنَهُ وَفَرَجَهُ  
 وَاشْتَدَّ جِهَادَهُ وَعَمَلَ لِمَخَالِقِهِ وَرَجَا ثَوَابَهُ وَخَافَ عِقَابَهُ فَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيَّكَ  
 فَأَوْلِيَّكَ شِيعَةَ جَعْفَرٍ»<sup>۱</sup>.

انتظاری که امامان از شیعیان دارند این است که از ما صفا،  
 صداقت، طهارت، قداست، شجاعت، تقوی، وفا، حیا و غیرت  
 می‌خواهند. به‌علاوه از ما انتظار دارند از اوصاف بد و زشت به‌دور  
 باشیم، مانند حسد و غرور و کبر و غضب و شهوت.

حضرت رضا علیه السلام کسانی را که ادعای شیعه بودن داشتند حدود  
 دو ماه اجازه ورود به منزلشان ندادند تا اینکه متنبه شدند.

## ۲۷. شفاعت

از جمله اموری که مسلم است، شفاعت اهل بیت علیهم السلام از شیعیان است. سنی و شیعه نوشته‌اند که حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: من به مهرالسنه راضی نیستم. به ایشان گفتند چه انتظاری از مهریه دارید؟ فرمودند: شفاعت از مردم.

محبت حضرت زهرا علیها السلام در ۱۰۰ موطن مفید خواهد بود. امام علیه السلام از اصحاب خود پرسیدند کدام آیه امیدوار کننده ترین آیه است؟ برخی گفتند آیه (يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَقُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ).<sup>۱</sup> فرمودند ما اهل بیت این مطلب را نمی‌گوییم، بلکه امیدوار کننده ترین آیه در قرآن آیه شفاعت است؛ (وَلَسَوْفَ يَغْفِيكَ رَبُّكَ قَرْضَى).<sup>۲</sup>

اگر شفاعت نباشد با مشکلات مواجه خواهیم شد، اگر مردم ما را نشناسند خودمان که خودمان را بهتر می‌شناسیم.

از جمله شافعان قرآن کریم است. در صورتی قرآن شفاعت می‌کند که ما نسبت به این کتاب آسمانی احترام گذاشته باشیم. واقعاً چقدر با قرآن مانوسیم؟ چقدر آیات قرآن را تلاوت می‌کنیم؟ چه اندازه به دستورات آن عمل می‌کنیم؟ کسانی که انتظار شفاعت از فاطمه زهرا علیها السلام دارند چقدر به فرزندان فاطمه احترام می‌گذارند؟ چه اندازه به سادات فقیر کمک می‌کنند؟

برخی از افراد در منزلشان دوربین، آلبوم عکس، طوطی، بلبل،

۱. زمر ۵۳

۲. ضحی ۵

قناری، چمن، سبزه و اجناس دکوری و تشریفات فراوان وجود دارد، اما حاضر نیستند به یک سید فقیر که منزل ندارد یا پول برای هزینه زندگی ندارد کمک کنند. کسانی که امکانات مادی دارند و هیچ نوع کمکی به فقراء سادات و فرزندان فاطمه زهرا(س) نمی کنند در قیامت نمی توانند بگویند ای فاطمه زهرا من فقط برای شما گریه کردم! «اربعة انا لهم شفیع القاضی لهم حوائج المکرم لذریتی و الساعی لهم».

بهشت را به وسیله عمل خوب می دهند، لذا قرآن کریم می فرماید: (جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).<sup>۱</sup>

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام آمد، گفت می خواهم به مکه بروم، یک منزل برای من بخرید. وقتی از حج برگشت حضرت فرمودند: یک خانه ای برای تو می خرم در فردوس اعلی در کنار قصر پیامبر اکرم و حضرت علی و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام. اگر راضی هستی پول تو را به سادات فقیر بدهم، این شخص پذیرفت و به هنگام مرگ گفت امام صادق علیه السلام به وعده اش عمل کرد. از آنچه علاقه داریم باید انفاق کنیم؛ (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ).<sup>۲</sup>

## ۲۸. عوائل محرومیت از شفاعت

از امور مسلّم در قیام شفاعت است، اما زمینه‌اش را ما باید فراهم کنیم. شفاعت هم در دنیا بوده مانند شفاعت امام حسین علیه السلام نسبت به فطرس، هم در برزخ است، بر طبق برخی از روایات و هم در قیامت است.

در عیون اخبارالرضا این حدیث آمده است که دعبل خزاعی که قصیده در مدح حضرت رضا علیه السلام گوید و امام پیراهن خود را به او هدیه دادند که یک میلیون رکعت نماز در آن خوانده بودند. به جهت یک گناه مستمر در لحظه احتضار صورتش سیاه شد و لال از دنیا رفت، بعداً فرزندش او را در خواب دید، گفت پسر من به جهت ارتکاب شرب خمر لال از دنیا رفتم، اما در عالم برزخ حضرت رضا علیه السلام مرا شفاعت کردند.

اگر شرب خمر باعث می‌شود انسان در لحظه احتضار لال از دنیا برود، آنگاه دروغ چه اثری دارد، با اینکه در روایت آمده است: «الكذب شرّ من الشراب»<sup>۱</sup>.

چه اینکه در روایت آمده است: دروغ کوچک را نیز می‌نویسند؛

<sup>۱</sup>. بحارالانوار ج ۷۲ ص ۲۳۷

«ان الكذب ليكتب حتى يكتب الكذبية»<sup>۱</sup>.

اگر دو چیز به وجود آید عامل محرومیت انسان از شفاعت می شود؛  
 ۱. اگر گناه زیاد شود مانند قمار، شطرنج بازی، موسیقی مطرب،  
 بی توجهی به حجاب، ریش تراشی، دروغ، غیبت، وقتی این گناهان  
 در یک جا جمع شد، انسان می شود مثل عمر سعد؛ (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ  
 الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ).<sup>۲</sup>  
 ۲. استخفاف و سبک شمردن نماز؛

امام صادق علیه السلام نمی فرماید شفاعت ما به تارک الصلوة یا  
 منکر الصلوة نمی رسد، بلکه فرمود به کسی که نماز را سبک  
 می شمارد. اگر هواپیما تأخیر دارد و اذان را گفتند لکن اکثر مردم  
 بیکار نشستند و هیچ توجهی به نماز اول وقت ندارند.  
 یا وقتی مسؤول قطار صدا می زند نماز، نماز، متأسفانه گروه  
 اندکی پیاده می شوند. انسانی که شکمو است هر وقت گرسنه شد  
 غذا می خورد، اما نمازش را هر وقت دلش خواست می خواند. آیا  
 این استخفاف به نماز نیست؟

مرحوم بهلول می فرمودند: من بیش از ۳۰ سال در زندان  
 افغانستان بودم، گاهی به من در ۲۴ ساعت یک نوبت آب می دادند.  
 از سر شب تا به صبح در زندان قدم می زدم تا خوابم نبرد و نماز  
 صبح خود را با وضوی نماز شب می خواندم.

۱. بحار الانوار ج ۷۲ ص ۲۵۸.

۲. روم ۱۰.

سؤال: آیا اگر ایشان می‌خواهید و نماز صبح را با تیمم می‌خواند اشکالی داشت؟ خیر، نمازش با تیمم صحیح بود، لکن به جهت اهمیت دادن به نماز خود را رنج می‌داد.

خوشا آنان که الله یارشان بی

به حمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنان که دائم در نمازند

بهشت جاودان ماوایشان بی

آیت الله وحید خراسانی می‌فرمودند: شیخ حبیب‌الله رشتی ۳ بار نماز پدرش را قضا کرد، دو نوبت تقلیداً، یک نوبت اجتهاداً. هر شخصی به دیدار آیت‌الله خوانساری می‌رفت، اگر مصلحت می‌دانستند سفارشی کنند، توصیه می‌کردند نمازتان را اول وقت بخوانید، با حضور قلب بخوانید و به طمع بهشت یا ترس از جهنم نخوانید.

امام عسکری علیه السلام فرمودند: یکی از علائم مؤمن نماز ۵۱ رکعت است. حضرت علی علیه السلام در حال جنگ به طرف آسمان نگاه می‌کردند، شخصی پرسید چرا به آسمان می‌نگرید؟ فرمود: ببینم ظهر شده یا نه؟ گفت: یا علی در حال جنگ که نمی‌شود نماز خواند. فرمود: ما برای نماز می‌جنگیم.

امام حسین علیه السلام برای احیای نماز به شهادت رسیدند؛ «اشهد أنك قد أقمّت الصلوة و آتیت الزکوة».

## ۲۹. امتحان پروردگار متعال

از سنت‌های قطعی پروردگار متعال آزمایش است؛ (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ)<sup>۱</sup> و به همین جهت بندگان خاص و اولیای خود را مورد امتحان قرار داده، از جمله ابراهیم علیه السلام امتحان کرد. اگر امتحان خوب نبود که خداوند این کار را انجام نمی‌داد.

انسان فرزندش را به دست خودش ذبح کند کار ساده‌ای نیست یا اینکه حضرت ابراهیم علیه السلام را به آتش بیاندازند، کار آسانی نیست. خداوند برای امتحان افرادی که حج به جای می‌آورند شکار را حرام کرد از سویی هم شکار را نزدیک آنها قرار می‌داد؛ (لَيَبْلُوكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ)<sup>۲</sup>.

در زمان ما هم خداوند به نوع دیگری مردم را امتحان می‌کند، از سویی نگاه به نامحرم را حرام قرار داده، از سویی دیگر زن بدحجاب در برابر ما ظاهر می‌شود. اگر خوب امتحان دادیم ما را

۱. عنکبوت ۲

۲. مانده ۹۴

کمک می کنند و امداد غیبی نصیب مان می شود.

برخی از مردم آمدند نزد پیامبرشان به نام اشموعیل، گفتند رهبری را برای ما انتخاب کن تا به همراه او بجنگیم. وقتی خداوند طالوت را انتخاب کرد، یکدفعه این مردم شانه خالی کردند، گفتند چرا او رهبر و فرمانده باشد، ما که پولدارتر هستیم. جنس بشر این است که می خواهد ریاست طلب باشد. حضرت فرمود به من ربطی ندارد. خداوند برای شما طالوت را انتخاب کرده است؛ (إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا).<sup>۱</sup>

خداوند آنها را به آب خوردن امتحان کرد. سخن از آزمایش به صد میلیارد تومان نیست، سخن از قدرت و ریاست نیست، بلکه امتحان به یک آب خوردن است. از میان آن جمعیت فراوان در این امتحان آب خوردن فقط ۳۱۳ نفر قبول شدند اما سایر مردم رفوزه شدند و گفتند: (لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ).<sup>۲</sup> اما کسانی که در امتحان پذیرفته شدند، گفتند: (رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ).<sup>۳</sup>

حالا خداوند نجار و لوله کش، عکاس، نقاش، بافنده، گوینده،

۱. بقره ۲۴۷

۲. بقره ۲۴۹

۳. بقره ۲۵۰



خواننده، ساعت‌ساز و سایر افراد را در هر شغلی که هستند امتحان می‌کند؛ «ان الله يحبّ عبداً اذا عمل عملاً اتقنه».

اگر این لوله‌کش که منزلی را لوله‌کشی می‌کند خانه یکی از اقوام خودش باشد همین‌طور لوله‌کشی می‌کرد یا میکانیک همان‌طوری که ماشین خودش را درست می‌کند آیا ماشین مردم را همان‌طور تعمیر می‌کند؟

همه من و شما را خداوند امروز به مقررات نظام جمهوری اسلامی امتحان می‌کند. خداوند افرادی را که ماشین دارند نیز امتحان می‌کند. کنار خیابان افرادی ایستاده، پیرمرد یا پیرزن اگر افراد ضعیف یا بی‌وسيله را سوار ماشین خود نکردید به والله در امتحان رفوزه شدید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ حَمَلَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ عَلَى رَاحِلَةِ حِمْلِهِ اللَّهُ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نَوَاقِ الْجَنَّةِ وَبَاهِيَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>.

خداوند اصحاب سبت را به وسیله ظاهر ساختن ماهی در روز شنبه که شکار و صید ماهی ممنوع بود امتحان کرد و همه رفوزه شدند، زیرا فقط در آن روز ماهی‌ها ظاهر می‌شدند؛ (إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيَتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعاً)<sup>۲</sup> و در سایر روزها که آنها می‌توانستند ماهی را شکار

۱. بحارالانوار ج ۷۵ ص ۳۶۴

۲. اعراف ۱۶۳

کنند این ماهی‌ها غییشان می‌زد و ظاهر نمی‌شدند؛ (يَوْمَ لَا يَسْتَوُونَ). خداوند همه انسان‌ها را امتحان می‌کند، به ریاست جمهوری، به نمایندگی مجلس، به استاندار شدن، فرماندار شدن، در برخورد با همسر، با فرزند، با اقوام و خویشان.

امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: به من اهانت کردی. گفت پناه بر خدا. حضرت فرمودند: آری در جحفه که محرم می‌شدی شخصی به تو گفت من خسته شدم و می‌خواست سوار مرکب تو شود، تو به او بی‌اعتنایی کردی، در واقع به ما خاندان وحی توهین کردی.

شخصی به سفر حج رفت و زائران خانه خدا را پذیرایی می‌کرد، بعد که خدمت امام رسید حضرت به او فرمودند: تو مؤمنان را ذلیل کردی زیرا جوری سفره پهن کردی که آنها قدرت نداشتند همانند تو رفتار کنند.

## ۳۰. کلمه محرومان

عید مسیحی‌ها روز یکشنبه است و جهت آن نزول مائده آسمانی بوده است؛ (رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا)¹.

در روایت است وقتی مائده نازل می‌شد، حضرت عیسیٰ علیه السلام به شکرانه این نعمت آسمانی نماز خواندند.

اما عید ما مسلمانان عید سعید غدیر خم است و عید فطر و روز جمعه. در روایت است وقتی مائده آسمانی نازل شد همه طبقات مردم می‌آمدند و استفاده می‌کردند، وقتی تمام می‌شد دوباره نازل می‌شد تا اینکه برخی از افراد گفتند طبقه مستضعف نباید سر این سفره آسمانی حاضر شوند، وقتی مانع حضور آنها شدند دیگر این مائده آسمانی نازل نشد.

این داستان برای من و شما درس است که اگر مستضعفان را از نعمت‌هایی که خدا به ما داده محروم سازیم، نعمت‌ها از ما گرفته

خواهد شد؛ (إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ).<sup>۱</sup>

در سوره قلم این قصه بیان شده است که شخصی دارای باغی بود، وقتی از دنیا رفت فرزندان او تصمیم گرفتند به فقرا چیزی ندهند، یکمرتبه قهر الهی شامل حال آنها شد و باغ و درختان و میوه‌های آنها در آتش سوخت؛ (فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ... فَمَا نَظَلُّوْا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ \* أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ).<sup>۲</sup>

این آیات این درس را به ما می‌دهد که ای بشر خیره‌سر! اگر فقرا را محروم از نعمت الهی کردید، خداوند آن نعمت را از بین می‌برد.

عید ما روزی است که گناه نکنیم، اگر در روز غدیر گناه کردیم آن روز عزا است. اگر منطق یک بازاری این باشد که اگر دروغ نگوید نمی‌تواند کاسبی کند، این شخص هر روز که دروغ می‌گوید آن روز برای او عزا است، دیگران هم همین‌طور.

اولیاء الهی زندگی تشریفاتی نداشتند، در روایت است: «نحن معاشر الانبياء و الاولياء براء من التكلف». سوره دهر که درباره عظمت اهل بیت نازل شده به جهت ایثارگری آنان بوده است که در سه شب متوالی نان خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و با آب

۱. رعد ۱۱

۲. قلم ۲۰-۲۴

افطار کردند. بار دیگر به این سوره دقت کنید که آن بزرگواران آنچه را که خود نیاز داشتند به اسیر کافر دادند و ما از کمک به مسلمانان دریغ می‌ورزیم.

در کدام آیه از قرآن یا حدیث آمده که به هنگام جشن عروسی این‌همه باید عکس بگیرند؟ در کاشمر ما به تعدادی که نانوايي هست، عکاسی هم هست! در نوع شهرهای دیگر نیز همین‌طور است. در جهیزیه دختران چه وسایل تشریفاتی که وجود ندارد، حالا اگر ظرف چینی نباشد مگر چه می‌شود؟

بعضی پول ندارند غذای ساده‌ای فراهم کنند، اما برخی ۱۰ تا چراغ در مغازه روشن می‌کنند.

اینکه فردی ماشین خود را روشن نگه می‌دارد و می‌رود در مغازه شیرینی می‌خرد، در همین مدتی که بنزین مصرف می‌کند گناه مرتکب شده است. مگر گناه شاخ و دم دارد؟ بنده در لاهیجان بودم، جناب آقای بهلول به آنجا آمدند، بعد که دیدند در منزل صاحبخانه یک گل مصنوعی وجود دارد فرمودند: اگر پول این گل را به یک محروم می‌دادی چه می‌شد؟

۳۱. امام کاظم علیه السلام

از میان پیامبران تنها حضرت یوسف علیه السلام به زندان رفت و علت آن تهمت زدن زلیخا به ایشان بود و از میان امامان، امام کاظم به زندان رفت و علت آن حسادت و ظلم هارون بود.

وقتی حضرت یوسف علیه السلام در زندان بودند دو نفر نزد حضرت آمدند، گفتند خوابی دیده‌ایم برای ما تأویل و تعبیر کن؛ (تَبَشِّرْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ).<sup>۱</sup>

یکی گفت خواب دیدم یک سبد نان روی سر من هست و مرغ‌ها می‌خورند. فرمود: سه روز دیگر اعدام می‌شوی و مرغ‌ها می‌آیند از سر تو می‌خورند. گفت دروغ گفتم. فرمود: (قُضِيَ الْأَمْرُ).<sup>۲</sup> دیگری گفت خواب دیدم (أَعَصِرُ خَمْراً).<sup>۳</sup> فرمود: تو آزاد می‌شوی و در دربار خدمت می‌کنی. بعد حضرت یوسف به او گفتند: (اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ).<sup>۴</sup>

به محض اینکه این جمله را گفتند، توسط جبرئیل خطاب آمد:

۱. یوسف ۳۶

۲. یوسف ۴۱

۳. یوسف ۳۶

۴. یوسف ۴۲

چه کسی محبت تو را در قلب یعقوب قرار داد؟ پاسخ داد: خداوند.  
 چه کسی تو را از شر زلیخا و زنان مصر نجات داد؟ پاسخ داد:  
 خداوند. چه کسی کاروان به چاه رسانید؟ پاسخ داد: خداوند.  
 خطاب آمد چرا به غیر ما متوسل شدی، بنابراین مدتی باید در  
 زندان بمانی.

بعد از مدتی شاه خواب دید که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق  
 را می‌خورند. به هر معبری گفت نتوانست پاسخ بگوید. یک‌مرتبه  
 آن زندانی که یوسف تعبیر خواب برای او کرده بود یادش آمد، به  
 شاه گفت من شخصی را می‌شناسم که می‌تواند خواب تو را تعبیر  
 کند و آن یوسف علیه السلام است.

حضرت یوسف فرمود: هفت سال قحطی می‌شود و هفت سال  
 در رفاه هستید. در این مدت هفت سال مقداری گندم برای زمان  
 قحطی ذخیره کنید و من حاضرم مدیریت کنم؛ (اجْعَلْنِي عَلٰى خَزَائِنِ  
 الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ).<sup>۱</sup> به همین واسطه تعبیر خواب شاه، یوسف از  
 زندان نجات یافت.

امام کاظم علیه السلام که به زندان رفت همیشه در حال عبادت و سجده  
 بودند؛ «حلیف السجدة الطويلة».

آن حضرت می‌فرماید: اوقات خود را چهار قسمت کنید؛ «ساعة

لمناجاة الله ساعة لا يرمز المعاش و ساعة لمعاشرة الاخوان الذين يعرفونكم  
عيوبكم و يخلصون لكم فى الباطن و ساعة للذة الحلال»<sup>۱</sup>.

این جور نباید باشد که با تمام وجود برای دنیا کار کنیم. زندگی  
بهتر، ماشین بهتر، غذای بهتر، هدف از خلقت این نبوده که ما تمام  
وقت خود را برای مسائل مادی صرف کنیم.

در حالات ابن ابی عمیر نوشته‌اند که ایشان نیز سجده‌های  
طولانی داشته است. وقتی این مطلب را بنده در مجلسی گفتم،  
شخصی به من گفت پس چه زمانی ایشان کاسبی می‌کرده است؟  
این شخص ابن ابی عمیر را با خودش قیاس کرده بود.

مطلب دیگر اینکه ما اگر بخواهیم زندگی مان بهشتی شود، باید  
مانند امام کاظم علیه السلام کظم غیظ داشته باشیم.

یک مقدار لازم است در زندگی کظم غیظ داشته باشیم و خشم  
خود را فرو ببریم. انسان دائم در جامعه خلاف توقع می‌بیند.

فقر اخلاقی همه جا حاکم است، در اداره، در بازار، در مدرسه و  
در هر جای دیگر و نوع مردم از یکدیگر گلایه‌مند هستند.

شخصی به مالک اشتر جسارت کرد، تا متوجه شد به دنبال  
ایشان حرکت کرد تا معذرت‌خواهی کند، دید مالک اشتر وارد  
مسجد شده و مشغول نماز است. وقتی عذرخواهی کرد، مالک به او



گفت من به مسجد نیامدم جر برای اینکه برای تو طلب مغفرت کنم. جهت اینکه ما از عبادت لذت نمی‌بریم این است که لقمه‌ها و غذاها مشکل دارد. مرحوم شیخ عباس قمی می‌گوید: به شریک‌بن عبدالله گفتند یا قاضی خلیفه عباسی بشو یا به بچه‌های او درس بده یا یک وعده غذای خلیفه را بخور. سومی را پذیرفت چون از همه آسان‌تر بود. آشپز خلیفه گوید همین که غذا را خورد آن دو سمت دیگر را نیز پذیرفت. وقتی می‌رفت حقوق بگیرد به او گفتند چقدر عجله داری؟ به قول ما مگر زعفران فروختی؟ گفت خیر، دین خود را فروخته‌ام.

مرحوم سید جزایری در انوار نعمانیه می‌نویسد: حضرت عیسی علیه السلام که مرده را زنده می‌کرد یک‌بار حمالی را زنده کرد. از او پرسیدند در عالم برزخ چه خبر است؟ گفت غذا خورده بودم، یک مقدار غذا لای دندانم بود، از مغازه‌ای رد شدم یک خلال از مغازه برداشتم بدون اینکه اجازه بگیرم. در این عالم برزخ به من گفتند چرا این کار را انجام داده‌ای؟

## خاطرات

**الف: خاطراتی از خود مرحوم واله علیه السلام**

### ۱. شجاعت بهلول به جهت حفظ قرآن؛

مرحوم بهلول یک سخنرانی داشتند که نوار آن را بنده استماع کردم، می فرمودند: پیامبر به غار رفتند و شخصی را به همراه بردند، آیا پیامبر از تنهایی می ترسیدند؟ خیر. بعد در ادامه فرمودند: من ۴ بار از مکه پیاده به مدینه رفتم و در بیابان از هیچ چیزی مانند شیر و پلنگ و ببر نترسیدم، زیرا حافظ قرآن هستم، خوب اگر من که حافظ قرآن هستم نمی ترسم، آیا پیامبری که قرآن کریم بر او نازل شده از تنهایی می ترسد؟

### ۲. ذکر حضرت یونس عامل نجات؛

یک بار به همراه شهید هاشمی نژاد به دیدن آقای کوهستانی رفتم، از ایشان پرسیدم شما چه ذکری را انتخاب کردید؟ فرمودند ذکر حضرت یونس علیه السلام را؛ (لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین) بعد از مدتی همین سؤال را از میرزا جواد آقا کردم، همین پاسخ را دادند.

### ۳. جوان پاک:

جوانی از اقوام آقای حکیم‌باشی بیمار بود و مدت ۵ سال سرطان خون داشت. وقتی به عیادت او رفتم گفت یک عریضه‌ای برای من بنویسید. گفتم چشم. بعد به آقای صاحب‌الامری گفتم عریضه‌ای برای او بنویسد. بعد از مدتی به همراه فرزندم با موتور سیکلت به بیمارستان به عیادت او رفتم، جوان به من گفت آیا این عریضه نویسی برای امام زمان علیه السلام با رضا و تسلیم که به ما دستور داده‌اند منافاتی ندارد؟ (صد هزار آفرین بر این تفکر)

### ۴. نتیجه استخاره:

شخصی مریض شد، استخاره کرد برود دکتر، استخاره خوب آمد، دارو را گرفت و به منزل برد. استخاره گرفت که از داروها استفاده کند، استخاره بد آمد، تعجب کرد. فوراً به داروخانه برگشت و قضیه را گفت. مسئول آنجا گفت کار بسیار خوبی کردی که آمدی چون این داروی شخص دیگری است اشتهاً به شما داده شده است. اگر مصرف می‌کردی مشکلاتی برای شما پیش می‌آمد.

### ۵. عذاب قبر:

با یکی از دوستان که از معرفی ایشان معذورم به باغ رضوان رفتیم تا برای اموات از جمله مادر او فاتحه بخوانیم. آن شخص می‌گفت مادرم به من می‌گوید شب اول قبر هیچ نوع ناراحتی

نداشتم، اما کنار قبر من شخصی را دفن کرده‌اند، به جهت اینکه مجرم و گنهکار است وقتی ملائکه او را شکنجه می‌کنند از بس داد و فریاد می‌زند، ما نیز رنج می‌بریم.

#### ۶. قانع کردن همسر؛

شخصی در کاشمر انیس بنده بود، گاهی نزد او می‌رفتم، او می‌گفت: من یک روز روزه بودم، برخی از اطرافیان از جمله همسرم می‌گفت روزها را افطار کن. به همسرم گفتم این دوست تومان را بگیر و به روزه من کاری نداشته باش، همسرم پذیرفت. (پول مشکل گشا است).

در کاشمر شخصی بود، هرگاه خانمش می‌خواست به عروسی برود پانصد تومان به او می‌داد و می‌گفت به عروسی نرو. چند نوبت این کار را کرد، دیگر همسرش به عروسی نرفت.

#### ۷. شوم بودن مهریه سنگین؛

بنده خانواده‌ای را سراغ دارم، به جهت مهریه سنگین که شوم است از همان ابتدا با یکدیگر اختلاف دارند و نوعاً مهریه سنگین سعادت نمی‌آورد، بلکه مشکلات را به وجود می‌آورد.

#### ۸. کراماتی از بزرگان؛

بنده خودم یک دختر داشتم که خاک می‌خورد و خبر نداشتم،

روزی مرحوم آقای دعایی به منزل پدر عیال بنده آمدند، ایشان قضیه را برای آقای دعایی بیان کرد که این دختر بچه خاک می‌خورد، یک مرتبه آقای دعایی رو به دختر کرد فرمود بچه! خاک نخور. از آن به بعد دیگر این بچه خاک نخورد.

شخصی آمد خدمت شیخ حسنعلی نخودکی به ایشان گفت برادرم را در نیشابور مارگزیده است، ایشان فرمود تو در اینجا یک انجیر یا خرما بخور برادرت در نیشابور خوب می‌شود، و همینطور هم شد.

آقای واله می‌فرمودند: شخصی را می‌شناسم که فرزند او شبیه دیوانه‌ها شده بود. نیمه شب رفته بود به منزل مرحوم شیخ مجتبی قزوینی رحمته الله علیه در زده بود. ایشان خیال کرده بود مهمان است، پدرش همانجا حضور داشته به شیخ مجتبی گفته بود ببخشید پسر من دیوانه است. یک مرتبه شیخ مجتبی به پسر گفته بود برو به منزل بخواب. با همان جمله پسر دیوانه خوب شده بود.

#### ۹. تأثیر آیه الکرسی؛

یکی از روحانیون شبی آمد پای منبر بنده و زنبور او را گزید. (این از کرامت‌های منبر بنده بود) آن روحانی می‌گفت من هر شب آیه الکرسی را می‌خواندم. یک شبی که نماز شب می‌خواندم عقربی را دیدم در حال سجده دست را روی عقرب گذاشتم و آیه الکرسی را خواندم، عقرب مرا نگزید و لکن امشب که می‌خواستم بیایم نزد

شما فرزندم مرا سرگرم خود کرد و فراموش کردم آیه الکرسی را بخوانم، به همین جهت زنبور مرا گزید.

#### ۱۰. اثر توسل به خداوند؛

به مرحوم میرزا جواد آقا تلفن زده و گفتند شما را ترور می‌کنیم، ایشان فرموده بودند مانعی ندارد من هرروز صبح ساعت ۷ از خانه بیرون می‌آیم. ایشان فرمودند ولكن در بین راه این ذکر را می‌گفتم: «حسبنا الله و نعم الوکیل» و تا به حال مشکلی برایم به وجود نیامده است.

#### ۱۱. انتقال جنازه به وسیله فرشتگان؛

آقای دعایی می‌فرمودند شخصی از دنیا رفت، جنازه را می‌خواستند به عراق ببرند دفن کنند من هم ۱۰۰ تومان لای کفن او گذاشتم تا وقتی به عراق رسیدیم از لای کفن بردارم، مبادا در مسیر راه دزدها پول مرا بدزدند، وقتی که به عراق رسیدیم رفیق من بدون اطلاع جنازه مرده را به قبرستان برد و دفن کرد. وقتی فهمیدم به او گفتم چرا مرا در جریان دفن او قرار ندادی زیرا من ۱۰۰ تومان لای کفن او گذاشتم. بالاخره رفتیم نبش قبر انجام شد، دیدم آن جنازه اینجا نیست جنازه دیگری اینجا دفن شده. فهمیدیم که ملک نقاله جنازه را به جای دیگری بردند. وقتی به ایران آمدم، بعد از تحقیق متوجه شدیم آن جنازه را به یزد منتقل کردند، رفتیم سر قبر نبش قبر انجام شد، دیدم ۱۰۰ تومان من لای کفن همان جنازه‌ای است که از ایران به عراق بردیم و امام حسین علیه السلام او را نپذیرفتند.

### ب: خاطرات حاج آقای واله از میرزا جواد آقای تهرانی رحمته الله علیه

۱. در مقام علمی هرگاه می‌خواستند نظریه کسی را رد کنند هیچ‌گاه با نگاه تحقیر یا توهین مطلبی را نمی‌گفتند و مواظب بودند که هتک حرمت به بزرگان نشود. در همین زمینه یک روز هنگام درس اشکالی به گفته‌های صاحب جواهر گرفته، نام ایشان را که بردند آنقدر از ایشان تعریف و تمجید کردند که مثلاً صاحب جواهر کسی است که اسلام را زنده کرد و چه خدمات ارزنده‌ای به جامعه اسلامی نمود و کتب گرانبغی تألیف کرده و بسیاری محاسن دیگر، سپس فرمودند حالا من هم یک نفهمی به گفته‌های ایشان دارم و بعد اشکالشان را مطرح کردند.

۲. احترام به سادات؛ از جمله کتاب‌های ایشان که تازه از چاپ خارج شده بود، سید بزرگواری آن را مطالعه می‌کند و پس از مطالعه اشکال می‌گیرد و به آقا فحش و ناسزا می‌گوید. به آقا خبر می‌دهند و ایشان با سعه صدر هنگامی که آن بزرگواری را می‌بیند به او می‌گوید اگر شرعاً اجازه داشتم دست شما را می‌بوسیدم و سپس می‌افزاید شنیده‌ام که مرا ناسزا گفته‌ای. این عمل شما از دو حال خارج نیست. یا به حق است، پس مرا بیدار کرده‌ای و آگاه به اشتباهم کرده‌ای، یا به ناحق است، پس بهانه‌ای دست من داده‌ای که وقتی

فردای قیامت دست مرا گرفتند و خواستند به سوی جهنم ببرند به همین بهانه جدّت مرا یاری کند. اگر ایشان اظهار نظر می کردند و کسی می گفت شما اشتباه کرده اید، یا خودشان می فهمیدند که اشتباه کرده اند، علناً می فرمودند من اشتباه کرده ام. این جمله را بدون خجل شدن می فرمودند.

۳. ناشری که کتاب آئین زندگی ایشان را چاپ کرده بود روی جلد کتاب نام ایشان را آیت الله تهرانی نوشته بود. وقتی که یک نسخه از این کتاب به دست ایشان رسید با دیدن لفظ «آیت الله» ناراحت شدند و به من گفتند هر جا کتاب من را دیدی روی لفظ آیت الله خط بکش و بنده نیز اطاعت کردم و بعد از مدتی که خدمت ایشان رسیدم، فرمودند دیگر روی اسم «الله» را خط نکش زیرا روایتی دیدم که خط کشیدن روی اسم «الله» را منع کرده بود.

۴. روزی در مدرسه آیت الله خوئی مشغول سخنرانی بودم که مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی وارد شدند و در گوشه ای نشستند، پس از پایان سخنرانی خدمت ایشان رسیدم و کنارشان نشستم، ایشان فرمودند روایت هایی را که می خوانی سعی کن از روی کتب اصیل و مرجع باشد که مدارک روایت ها مطمئن باشد مانند کتب شیخ کلینی و صدوق. این دقت ایشان در همه امور بود.

۵. کنترل نفس؛ ایشان مراقبت عجیب و کنترل بسیاری بر نفس



خود داشتند، به طوری که این مراقبت و مواظبت آقا برای هر بیننده‌ای روشن و واضح بود. این رفتار سبب می‌شد که دیگران نیز مراقبت کامل بر اعمال و رفتار خود در حضور ایشان داشته باشند، مثلاً مبدا غیبت یا هر عمل خلاف اخلاقی را انجام دهند.

۶. روزی خدمت مرحوم میرزا رسیدم، از محضر ایشان سؤال نمودم، با توجه به اینکه ایشان تازه از بیمارستان مرخص شده بودند و پس از عمل جراحی دوران نقاهت را در منزل می‌گذراندند، ولی پس از اینکه سؤال کردم ایشان خودشان را کشان کشان روی زمین کشیدند تا رسیدند به اشکافی که کتاب‌هایشان را آنجا می‌گذاشتند، پس کتاب را برداشتند و جواب مسئله مرا دادند. این عمل ایشان زمانی بود که بنده کنار اشکاف نشسته بودم مع ذلک به بنده نفرمودند که فلانی فلان کتاب را برای من بیاور.

۷. احترام به وقت دیگران؛ به وقت و زمان بسیار اهمیت می‌دادند، مخصوصاً وقت مردم به طوری که این امر مهم در وصیتنامه ایشان محسوس است، زیرا در وصیت‌نامه نوشته بودند برای من بیش از دو ساعت مجلس نگیرید و به فرزندان‌شان گفته بودند این دو ساعت هم برای مراعات احترام شما، وگرنه همین مقدار هم لازم نیست. به طوری که از وصایای ایشان این بود که اگر برای تشییع جنازه من چهار تن بودند، دیگر منتظر نشوید که مردم جمع شوند، مرا تشییع کنید و مزاحم افراد نشوید.

۸. آیت‌الله میرزا جواد بارها فرمودند علت اینکه کمر من خم شده به جهت اینکه در راه رفتن سرم را پایین انداختم تا نگاهم به نامحرم نیافتد.

۹. آقای واله می‌فرمودند: بنده به مسجد مستشار در بازار سرشور مشهد رفتم تا نماز بخوانم، لکن مرحوم میرزا جواد آقا پشت سر بنده بود و من نمی‌دانستم، هر کار کردم تکبیر نماز را بگویم نتوانستم، بالاخره کنار رفتم.

۱۰. از فرزند بزرگ میرزا جواد آقا پرسیدم این قضیه آیا درست است که پدر شما نیمه شب به منزل می‌آید و چون کلید نداشتند پشت درب می‌خوابند تا اینکه مادر شما خواب می‌بیند که ایشان پشت درب منزل خوابیده است؟ گفتند آری.

۱۱. رفتم نزد مرحوم میرزا جواد آقا گفتم در حاشیه مفاتیح نوشته شده اگر کسی کم حافظه است این دعا را بخواند، حافظه او زیاد می‌شود؛ «یا حیُّ یا قیوم فلا یفوت شیئاً علمه و لا یغوده»، به ایشان عرض کردم این جمله را به معصوم انتصاب ندادند. میرزا جواد آقا فرمودند چون مرحوم شیخ عباس قمی نوشته فرمایش ایشان سند است، لذا کاغذ و قلم برداشتند و این جمله کوتاه را برای خود یادداشت کردند که بخوانند.

تذکر: خاطرات مرحوم حاج آقای واله از مرحوم میرزا جواد آقای تهرانی از کتاب مفسر ربانی اقتباس شده است، صفحه ۴۵-۶۱.

## ج. خاطرات حاج آقای واله از شهید هاشمی نژاد رحمته الله علیه:

### ۱. فداکاری شهید هاشمی نژاد:

شهید هاشمی نژاد به من فرمودند: شما به حرم حضرت رضا علیه السلام بروید دعا کنید ساواک مرا دستگیر کند، وگرنه همه زحمتهایم به هدر می رود، زیرا اگر ساواک مرا به جهت این سخنرانی های بر علیه رژیم پهلوی دستگیر نکند مردم گمان می کنند من هم از دارو دسته آنان هستم. یک جوان حاضر است قربانی شود تا دین اسلام حفظ شود، آیا من و شما نمی توانیم جلوی زن و بچه خود را بگیریم و به آنها تذکر دهیم که حجاب خود را حفظ کنند.

### ۲. ارادت به شهید هاشمی نژاد:

مرحوم شهید هاشمی امتیازات فوق العاده ای داشتند، آن قدری که بنده به ایشان عرض ارادت کرده ام برای احدی این کار را نکرده ام. ایشان دو بار خدمت حضرت مهدی علیه السلام رسیده بود. وقتی برای او گفتم، ناراحت شد به من فرمود: حالا اگر یک موقعی یک حالتی برای انسان دست داد که همیشه باقی نمی ماند.

### ۳. نصیحت محرمانه شهید هاشمی نژاد:

خداوند رحمت کند شهید هاشمی نژاد را. یک روز با ماشین خود به منزل ما آمدند و مرا به منزل خود بردند، با هم غذا خوردیم، بعد از آن یک یادداشتی ایشان به من دادند که اگر این شعر را در منبر نمی خواندی بهتر بود، چون ممکن است این شعر به انقلاب و امام

امت ضربه بزند (زیان سرخ سر سبز می دهد برباد)، من هم نصیحت ایشان را پذیرفتم.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «المومنُ یحتاجُ الی ثلاثِ خصالٍ توفیقُ من الله و واعظٌ من نفسه و قبولُ ممَّن ینصحه.»<sup>۱</sup>

### د: خاطراتی از دوستان؛

۱. حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای تهرانی که از وعاظ محترم مشهد هستند برای نویسنده نقل کردند: در دوران طلبگی از نظر امرار معاش در مضیقه بودم و به نماز جماعت آیت الله مروارید در مدرسه میرزا جعفر شرکت می کردم. یک روز حاج آقای واله با اینکه نه ایشان مرا می شناخت و نه من ایشان را، بعد از نماز به طرف بنده آمدند، مبلغی پول به من لطف کردند. خوشحال شدم، بعد از مدتی این عمل را تکرار کردند و لطف ایشان ادامه داشت و گاهی تذکرات اخلاقی به من می دادند که دواى دردم بود. آنچه باعث شد جذب این روحانی باکمال شوم این بود که گویا ایشان اطلاع از وضع مادی و معنوی بنده دارند. کم کم با ایشان انس گرفتم و به منزل ایشان برای درس گرفتن می رفتم.

۲. مرحوم حاج آقای واله علیه السلام بسیار انسان با لطف و احسانی

بودند و هرگاه به منزل ایشان می‌رفتم. یکی دو کتاب به اینجانب هدیه می‌کردند که هم‌اکنون تقریباً یک سوم کتاب‌های کتابخانه بنده هدایای ایشان است. حاج آقای تهرانی می‌فرمودند: روزی خدمت مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی رحمته الله علیه رسیدم، ایشان به بنده فرمودند: سعی کنید در زندگی مثل حاج آقای واله باشید. (مولف می‌گوید؛ با اینکه مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی رحمته الله علیه خود الگوی اخلاقی بود، در عین حال حاج آقای واله را به عنوان الگوی اخلاقی در زندگی معرفی می‌کردند.

۳. جناب آقای حکیم باشی نقل می‌کردند که حاج آقای سیدان فرمودند: در ایام جوانی به جهت تنگدستی مجبور شدم نماز استیجاری قبول کنم به مبلغ ۳۰۰ تومان، بعد از مدتی که این پول را خرج کردم، دیدم خواندن نماز استیجاری مقدورم نیست لذا پشیمان شده بودم که چرا این کار را کرده‌ام. یک روز از حرم حضرت رضا علیه السلام که بیرون می‌آمدم با حاج آقای واله مواجه شدم، ایشان مبلغی را به من لطف کردند، وقتی نگاه کردم دیدم ۳۰۰ تومان است خوشحال شدم و رفتم آن مبلغ را به صاحبش پس دادم و گفتم از خواندن نماز استیجاری معذور هستم.

۴. جناب آقای رضایی نقل می‌کردند: حاج آقای واله مریض بودند و لازم بود به منظور معالجه به تهران بروند. من در خدمت

ایشان بودم، قبل از اینکه به تهران برسیم به منزل حجت‌الاسلام مهدوی در مهدی‌شهر سمنان رفتیم.

ایشان بسیار خوشحال شد و چند روزی به ماه مبارک رمضان مانده بود. حاج آقای مهدوی از حاج آقای واله تقاضا کردند ماه مبارک رمضان در آن شهر بمانند و شبانه‌روز چهار پنج منبر برای مردم بروند. ایشان نپذیرفتند و فرمودند مصلحت نیست.

آخر الامر استخاره گرفتند که دعوت ایشان را بپذیرند، استخاره بد آمد. بنده به ایشان عرض کردم که شما مبلغ هستید و مردم از مواعظ شما بهره‌مند می‌شوند، چرا می‌فرمایید مصلحت نیست؟ فرمودند: حقیقت مطلب این است که حاج آقای حائری از وعاظ محترم مشهد دو سال است که به اینجا برای تبلیغ می‌آیند و امروز هم از مشهد حرکت کرده و به اینجا برای تبلیغ می‌آیند، بنده در هر جا منبر بروم جمعیت برای منبر بنده می‌آیند و منبر ایشان خلوت می‌شود. این سخن رعشه‌ای در من ایجاد کرد که چه اندازه این بزرگوار مراعات مسائل اخلاقی را می‌کنند.

۵. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد مروارید (داماد مرحوم واله) نقل می‌کردند: شخصی از ایشان پول قرض می‌خواست و ایشان چون پول نداشتند و از سویی می‌خواستند حاجت یک شخص مؤمن برآورده شود، کتاب خود را که بسیار

مورد علاقه ایشان بود فروختند به ۳۰ تومان و این مبلغ را به آن شخص دادند. بعد از مدت کوتاهی به کتابفروشی رفتند تا همان کتاب را خریداری کنند، لکن کتابفروش آن کتاب را که به قیمت ارزان خریده بود، ۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری کرده بود (تقریباً ۱۷ برابر)! ایشان بدون آنکه اظهار کند که چرا کتابم را ارزان خریده و به این قیمت گزاف می‌فروشی؟ کتاب را خریداری کردند. نکته قابل توجه اینکه کتابفروش یا به هنگام خریدن ارزان خریده و یا به هنگام فروختن کتاب را گران فروخته است یا هر دو، لکن بی‌اعتنایی به مسائل مادی باعث می‌شود مرحوم حاج آقای واله در هر دو صورت هیچگونه اعتراضی نکند.

۶. حجت الاسلام محمد مروارید می‌فرمودند مرحوم حاج آقای واله با اینکه خودشان از نظر زندگی در مضیقه بودند، لکن از نسبه خریدن به شدت پرهیز می‌کردند. روزی من رفته بودم از قصاب محل گوشت بخرم یکمرتبه حاج آقا را دیدم که به طرف من می‌آیند و دوست داشتم ایشان متوجه نشود که من پول ندارم و می‌خواهم گوشت نسبه بخرم. یک مقداری اطراف مغازه مکث کردم تا ایشان بروند، اما متوجه شدند من پول ندارم، برای من گوشت خریدند و فرمودند تا می‌توانید از نسبه خریدن پرهیز کنید.

۷. یکی از اقوام نزدیک ایشان به نویسنده فرمودند: یکی از

فرزندان مرحوم حاج آقای واله که هم‌اکنون ایشان از دنیا رفته است دچار ضعف اعصاب بود. وقتی به سن ازدواج رسیده بود برای او خواستگاری می‌رفتند. وقتی طرف قبول می‌کرد و حاج آقای واله متوجه می‌شدند مخفیانه به منزل آن شخص می‌رفتند و می‌گفتند: اگر می‌خواهید به فرزند من زن بدهید به حساب من نگذارید، فرزند من دچار ضعف اعصاب است. این کار ایشان مانع ازدواج فرزندش بود و چند بار تکرار شد و بالاخره فرزندش نمی‌توانست ازدواج کند تا اینکه در مدتی که حاج آقا به مسافرت رفته بودند از فرصت استفاده شد و فرزند ایشان توانست ازدواج کند.

۸. حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در کتاب اکسیر اعظم می‌نویسند: در مدتی که آن بزرگوار در قم (شاید حدود یک ماه) در منزل حقیر بودند، مشعوف بودم و خدا را شکر می‌کردم که این هُمای سعادت بر بام خانه حقیر نشسته است. از حقیر کبریتی گرفتند و شب‌ها که برای تهجد بیدار می‌شدند، از نور کم کبریت برای رفتن به حیاط استفاده می‌کردند که مبادا چراغی روشن شود و دیگری آزرده گردد... گاهی کتاب حدیث را به حرم می‌برد و روبروی ضریح مطهر حضرت می‌نشست و احادیث را می‌نوشت.

ایشان مکرر می‌فرمود: کلید سعادت در دو چیز است: یکی نماز اول وقت، دوم تشرف به حرم حضرت رضا علیه السلام. آن عزیز از دست



رفته می فرمود: به خدا قسم در همین زمان ما کسی است که به حرم حضرت رضاعلیه مشرف می شود و سلام می کند و حضرت رضاعلیه را می بیند و جواب سلامش را می شنود.

### ۹. نتیجه اخلاص در منبر سيّد الشهداء عليه السلام:

آن بنده خالص خدا می فرمود: در دوران جوانی که به کاشمر برای منبر می رفتم، منبرم گُل کرده بود. «لِکَلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ» در هر جدیدی لذت هست. پای منبرم شلوع شده بود، یکی از علمای بزرگ آن دیار مرا دید و گفت: سعی کن در منبر خالص باشی، چون دیشب در عالم رؤیا دیدم بالای منبر نشسته ای و با محاسنت بازی می کنی. چند سال از این موضوع گذشت و ما یک گوینده قدیمی شدیم و یک ماه مبارک رمضان در یک مسجد کوچک در حاشیه شهرستان کاشمر نماز خواندم و منبر رفتم. همان عالم روزی به من گفت: فلانی خیلی خالص شدی چون در عالم رؤیا دیدم در محراب همین مسجد مشغول نمازی و حضرت علی اکبر و ابوالفضل العباس علیهما السلام پشت سرت ایستاده و به تو اقتدا کرده اند.

### ۱۰. هديه حضرت امیر المؤمنین عليه السلام به ایشان:

حقیر هرگاه به مشهد مشرف می شدم و برای استفاده خدمتمش می رسیدم، متوجه می شدم که یک قبایی که مندرس شده در فصول مختلف می پوشد. روزی از محضرش سؤال کردم که این قبا

کهنه چه سرّی دارد که همیشه می پوشید؟ ایشان سکوت کردند. حقیر چون شنیده بودم که این قبا قصّه‌ای دارد، اصرار کردم. فرمود: درسفری که به نجف اشرف مشرف شدم، از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام تقاضای قبایی کردم. از حرم بیرون نیامده بودم که برادر دامادم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی مروارید یک پارچه قبایی به من دادند. آن را دوختم و چون به آن علاقه مندم آن را می پوشم.

#### ۱۱. اثر بندگی؛

حاج آقای امانی می گفتند: روزی مرحوم حاج آقای واله رضی الله عنه با یک نفر سوار ماشین شدند. در بین راه راننده نوار موسیقی می گذارد. آن بزرگوار راننده را نصیحت و موعظه می کند ولی راننده به گفتار الهی ایشان اعتنائی نمی کند و با بی ادبی می گوید: اگر ناراحتید پیاده شوید. آن عالم پارسا از ماشین پیاده می شود. بعد از چند دقیقه یک ماشین سواری مدل بالا جلوی پای معظم له می ایستد و ایشان را سوار می کند. در بین راه صاحب ماشین عرض می کند: خواب بودم، در عالم رویا به من فرمودند: سریع می روی به فلان مکان، حاج آقای واله منتظر ماشین هستند، من هم به سرعت خدمت رسیدم.

## ۱۲. وارستگی از خلق؛

آن زاهد بی‌ریا به حاج آقای امانی فرمود: من مدت زیادی به حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مشرف می‌شدم. یکبار حضرت عنایتی فرمودند که دیگر مدح و ذمّ مردم برایم تأثیری نداشت.<sup>۱</sup>

## ۱۳. شب وصال؛

مرحوم حاج آقای واله در شب پایان عمر تا به صبح رو به قبله نشستند و سر خود را روی زانو نهادند و مشغول ذکر گفتن بودند. تا اذان صبح به همین حال بودند. اذان صبح را که می‌گویند ایشان را با کمک دیگران به حیاط منزل می‌برند تا اینکه وضو می‌گیرند و مشغول نماز صبح می‌شوند، یک لبخند می‌زنند و در حال نماز از دنیا می‌روند. روحش غریق دریای بیکران رحمت حق.

۱۴. ادب در برابر اهل بیت علیهم السلام

آقای دعایی به کاشمر آمده بودند، شخصی از ایشان تقاضا کرد روزه بخوانند. ایشان فرمود: من هفتاد سال است که روزه می‌خوانم، اما تا به حال بدون وضو روزه نخوانده‌ام و چون وضو ندارم روزه نمی‌خوانم. مرحوم آقای دعایی ۴۰ سال پیش از وفات

۱. اقتباس از کتاب اکسیر اعظم، تألیف سید حسین هاشمی نژاد

خود وصیت نامه‌ام را نوشته بود، از جمله اینکه: «من سه تا دستمال دارم که با من دفن شود و چون با آنها اشک بر امام حسین علیه السلام را پاک کرده‌ام. وقتی خواستید مرا دفن کنید یک نفر روضه بخواند و مردم گریه کنند. در کنار قبر من حدیث کساء خوانده شود».

شخصی برای من نقل کرد که آقای دعایی به کربلا رفته بود و از امام حسین علیه السلام خواسته بود خداوند به او فرزندی عنایت کند. به سن ۱۸ سالگی که رسید از دار دنیا برود تا به غم و غصه امام حسین علیه السلام برای فرزند ۱۸ ساله‌اش برسد و همین‌طور هم شد.

۱۵. جناب آقای ارده‌شیری که از دوستان نویسنده است می‌فرمودند: جناب آقای قائمی که یکی از متدینین مشهد است نقل می‌کردند: حاج آقای واله می‌خواستند پشت بام منزل خود را قیرگونی کنند و ما قیر را در کوچه قرار داده بودیم تا به وسیله آتش باز شود و بتوانیم کار را انجام دهیم. یک‌دفعه حاج آقا به ما فرمودند قیر را به داخل منزل بیاورید. قیر را وارد حیاط منزل کردیم. فرمودند خیر، بیاورید داخل زیرزمین منزل و آنجا قیر را باز کنید تا مزاحمت برای همسایه‌ها نباشد و دود و بوی بد آن مردم را ناراحت نکند.

خلاصه اینکه وقتی قیر را باز کردیم تمام زیرزمین ایشان پر از

دود و سیاه شد. اجمالاً اینکه ایشان حاضر شدند ضرر مالی به منزل خودشان وارد شود اما هیچ نوع مزاحمتی برای همسایه‌ها به وجود نیاید.

نویسنده گوید: اگر خوانندگان محترم چنین افراد متخلقی را پیدا کردند، سلام ما را به محضر مبارکشان برسانند.

### ه: خاطرات نویسنده از مرحوم حاج آقای واله

۱. شبی بعد از منبر همراه ایشان بودم، در اثناء مسیر به بنده فرمودند: سعی کنید وقتی منبر می‌روید قصدتان خالص باشد و برای رضای خدا تبلیغ کنید که در این صورت سخن انسان تأثیر می‌کند، آنگاه نمونه‌ای از منبر خالصانه خود را بیان فرمودند که چند وقت قبل مرا به منبر دعوت کردند، آنروز به خداوند عرضه داشتم که دوست دارم سخن من در مردم تأثیر داشته باشد. بعد از پایان منبر شخصی آمد و گفت امروز که پای منبر شما بودم تصمیم گرفته بودم هرچه شما فرمودید به آن عمل کنم و شما در فضیلت عفو و گذشت از خطای مردم صحبت کردید. یکی دو روز قبل من تصادف کردم و آن طرف به من خسارت مالی وارد ساخته است، به برکت این منبر شما من از خطای او خواهم گذشت و خسارت را

نخواهم گرفت.

۲. روزی در منزل ایشان وضو گرفتم، بعد دیدم ایشان آفتابه را آب کردند و کنار درختی که در منزل بود وضو گرفتند. به ایشان گفتم چرا از شیر آب وضو نگرفتید؟ ایشان فرمودند: در کنار وضو گرفتن به درخت هم آب رساندیم که نیازی به آب رساندن به درخت نباشد به علاوه اسرافی در آب نیز نشده باشد.

۳. بسیار دوست داشتم یک روز ناهار در منزل ایشان باشم، حیاء مانع می‌شد مستقیم به ایشان عرض کنم. به یکی از دوستان به نام آقای ارده‌شیری گفتم، او استقبال کرده و به حاج آقا گفته بود که فردا با فلانی به منزل شما می‌آئیم، ایشان بسیار خوشحال شدند و بعد از نماز جماعت به منزل ایشان رفتیم.

در اثناء راه از مغازه‌ای جنسی خریداری کردند، وقتی پول جنس را پرداخت کردند، صاحب مغازه تا آمد بقیه پول ایشان را پس بدهد هرچه اصرار کرد حاج آقا نپذیرفتند و از مغازه خارج شدند. (این عمل نشانه بی‌اعتنایی ایشان به دنیا بود).

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد مروارید، داماد ایشان می‌فرمودند: ایشان در بسیاری از موارد وقتی پول به صاحب مغازه می‌دادند، مابقی آن را پس نمی‌گرفتند.

۴. ایشان را به مجلس جشن عروسی دعوت کردم و عرض کردم نوعاً روحانیون و طلاب محترم و برخی از رزمندگان جبهه و جنگ را دعوت کرده‌ام. ایشان فرمودند از آمدن به مجلس عروسی معذورم و لکن فردا به حرم حضرت رضا علیه السلام که مشرف می‌شوم یک زیارت امین الله برای شما می‌خوانم. این سخن ایشان بسیار برای بنده جالب و خوشحال کننده بود.<sup>۱</sup>

---

۱ در پایان از جناب آقای سید مصطفی موسوی و جناب آقای رضایی تولایی و خانواده محترم که حروف نگاری این کتاب را انجام داده‌اند تشکر می‌نمایم.

## آثار مؤلف:

- تفسير نسيم رحمت ۱۰ جلد  
 هزار و يك نکته از قرآن كريم ۳ جلد  
 ۳۱۳ نکته از قرآن كريم پيرامون حج  
 ۱۵۰ موضوع از قرآن و حديث ۳ جلد  
 ۱۱۴ نکته از قرآن درباره مسجد، نماز، زكات ۳ جلد  
 ۱۱۴ نکته پيرامون تربيت فرزند  
 ۱۱۴ نکته از قرآن كريم ۲ جلد  
 ۷۲ حكمت از قرآن و عترت  
 ۲۵ سخن پيرامون شخصيت حضرت زهرا(س)  
 ۲۵ سخن پيرامون شخصيت حضرت مهدي (ع)  
 آيينه كمال ۲ جلد  
 امام حسين(ع) وارث پيامبران  
 امام رضا(ع) مظهر رافت الهی  
 با قرآن در مكه و مدینه  
 لطايفی از قرآن كريم  
 شباهت ها و تفاوت ها  
 زكات در اسلام  
 نخبه التفاسير  
 واژه های نور  
 راه رستگاری  
 راه زندگي  
 راه رشد  
 ۱۱۴ نکته از قرآن كريم پيرامون جهاد فرهنگي و نظامي  
 اسوه تهذيب نفس